

فصلنامه علمی - پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

دوره ۱۴، شماره ۴ - شماره پیاپی ۵۱، زمستان ۱۳۹۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۵

صص: ۱۷۵-۱۳۷

## تحلیل جامعه شناختی مصونیت دفاعی و کیل در حقوق ایران

عبدالعلی خدابخشی شلمزاری<sup>۱</sup> کریم صالحی<sup>۲</sup> مهدی دهشیری<sup>۳</sup>

- ۱- دانشجوی دکتری رشته حقوق کیفری و جرم شناسی، گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.
- ۲- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد، گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.
- ۳- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد، گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

### چکیده

مصونیت دفاعی و کلا به عنوان یکی از مهمترین ارکان تشکیل دهنده ساختار قضایی ایران شامل ضمانت‌های مربوط به دفاع در قانون اساسی بوده نهاد وکالت نیز به عنوان یکی از پرتوهای بنیادین مربوط به دادرسی متعارف در نظام قضایی ایفای نقش می‌نماید. بنابراین این پژوهش با هدف تحلیل جامعه‌شناختی مصونیت دفاعی و کیل دادگستری در حقوق کیفری ایران به روش توصیفی اسنادی انجام شده است. برای ادبیات نظری از آرای، قانون‌مداری پارسونز، نظارت‌پذیری دورکیم، جامعه‌مدنی هابرماس، حقوق مدنی مارشال، اعتماد نهادی بوردیو، عدالت‌ورزی کانت و روالز، آزادی پوپر، برلین و سارتر استفاده شده است. یافته‌های اسنادی حاصل از تحلیل متون موجود که پاسخی برای سوالات پژوهش هستند نشان داده که مصونیت دفاعی و کیل در دو حوزه اصلی جامعه‌شناختی و حقوقی بررسی شده است. در حوزه جامعه‌شناختی یافته‌های تحلیل نشان داده که مقوله‌های قانون‌مداری، نظارت‌پذیری، حوزه عمومی، جامعه مدنی و اعتماد نهادی با مکانیزم‌های اجتماعی و نظری به مصونیت دفاعی و کلا منجر شده و نهادهای حکومتی نیز با استفاده از تفکیک قوا و ایجاد فضای آزاد در قالب توسعه آزادی‌های فردی و مدنی می‌توانند زمینه‌های افزایش اختیارات قانونی به منظور افزایش مصونیت دفاعی و کلا ایجاد کنند. در بخش حقوقی نیز وکیل در موضع دفاع از احترام و تأمینات شاغلین شغل قضا برخوردار است و در این راه با راهبردهای اصل عزتمندی، حمایت از حقوق، احقاق حق همراه با افزایش نظارت‌پذیری و تضمین اقتدار قضایی مصونیت دفاعی به دست می‌آید.

**واژگان کلیدی:** پیامدهای فردی، پیامدهای اجتماعی، پیامدهای نهادی، مصونیت دفاعی، وکیل.

## مقدمه و بیان مسئله

رویه‌های قضایی در جوامع توسعه یافته اساساً پیوندهای قوی‌ای با بطن اجتماعی جوامع دارند و عموماً مباحث جامعه‌شناختی تمرکز آشکاری بر مسایل حقوقی دارند و بسیاری از دادرسی‌های کیفری با استناد به رویکردهای جامعه‌شناختی برگزار می‌شوند. در ایران یکی از ارکان دادرسی کیفری وجود حق دفاع و بررسی و تحلیل ادله توسط متصدیان نهاد دفاع (وکیل دادگستری) است. قانونگذار در مقررات متعدد به این حق اشاره نموده است. مبنای این امر مستظهر به نصوص متعدد قانونی است. با تمسک به نهاد دفاع و لحاظ سایر شرایط قانونی می‌توان امیدوار بود که تصمیمات قضایی و مآلاً اعمال قدرت قضایی بر مدار اقدام درست و موجه حرکت می‌نماید. قانونگذار در بیان ارکان و شرایط نهاد دفاع و حدود و ثغور این امر و تحقق امنیت قضایی و دفاعی در تمام شقوق آن در هنگام دفاع در موضع دفاع این امر را مورد پشتیبانی و حمایت قانونی قرار داده است. بخشی از این حمایت مشتمل بر دفاع قانونی از اصحاب دعوی و تحقق شرایطی برای این امر، دفاع از حضور وکیل در مراجع قضایی، آزادی و استقلال در دفاع، عدم کنترل و نظارت نظام رسمی بر شیوه دفاع و ادله دفاعی و رعایت برخی امتیازات شخصی، شغلی و کیفری و تحقق گسترده آثار دفاع در ابعاد مختلف است. برای پستوانه قرار دادن رویکردهای جامعه‌شناسی الزامات مصونیت دفاعی وکیل هم رویکردهای متعددی با توجه مقولانی مانند؛ قانون مداری تالکوت پارسونز، نظارت‌پذیری دور کیم و مصونیت دفاعی وکلا، مصونیت دفاعی وکیل به مثابه آزادی کنشگر در جامعه مدنی از نظر هابرماس و تی.اچ. مارشال، اعتماد نهادی بوردیو، اصل برائت، امنیت قضایی در چارچوب تفکیک قوا از نظر کانت و راولز، آزادی عمل کنشگر از نظر پوپر، آیزیا برلین و ژان پل سارتر مورد تاکید هستند.

حمایت در حوزه حقوقی در قوانین مختلف از جمله آیین دادرسی کیفری، آیین دادرسی مدنی و قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و قانون نظارت بر رفتار قضات با لحاظ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام و سایر قوانین خاص به صراحت تبیین شده است. علاوه بر این امور، چون جایگاه نهاد وکالت و صاحب منصبان نظام دفاعی کشور (نهاد وکالت و وکلا) در سیاست‌های کلی نظام در امور قضایی مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در شمول «امور قضایی» به مفهوم عام احصاء شده است، تقویت و پشتیبانی در نظام رسمی از این نهاد و آثار آن نیز معمول شده است.

قبل از پرداختن به مصادیق و شقوق این حمایت و پشتیبانی و آثار مربوط به آن، بیان این امر لازم است که تضمینات قضا، به عنوان یکی از مهمترین پایه‌های دادرسی منصفانه و عادلانه مورد حمایت ویژه نظام قانونی در شاخصه‌های رعایت بی طرفی، استقلال قضا و آزادی قانونی در اعمال قدرت و تصمیم‌گیری قضایی و عدم تاثیرپذیری از نظامات رسمی و غیر رسمی درونی و بیرونی است. قانونگذار به موازات و در کنار حمایت از این رکن

مربوط به تحقق عدالت قضایی به رکن دیگر در نظام قضایی نیز به تصریح اشاره نموده است و حمایت‌ها و احترامات و تضمینات قضات را به نهاد عدالت دفاعی و متولیان امر دفاع (وکیل) تسری داده است. به موجب تبصره ۳ ماده واحده انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام، وکیل در موضع دفاع، از احترام و تأمینات شاغلین شغل قضا، برخوردار است. حمایت‌ها، احترامات و تضمینات نهاد دفاع با تمسک به مقررہ پیشگفت همان موارد مربوط به تضمینات قضات به شرح قوانین مربوط از جمله موارد مندرج در قانون اساسی، قانون نظارت بر رفتار قضات و قانون آیین دادرسی کیفری است. با دقت در مواد قانونی این امر مشخص می‌شود که تضمینات، تأمینات و احترامات قضایی قابل تسری به نهاد وکالت و متصدیان امر دفاع و مالا آثار ناشی از آن در نظام قضایی کشور است، که مربوط و مرتبط با تحقق نظام عدالت قضایی و دفاعی و در ذیل اصول مربوط به دادرسی قانونی متعارف مبتنی بر عدل و انصاف باشد، به نحوی که عدم رعایت این مصادیق نظام قضایی کشور را با اختلال مواجه نموده و می‌تواند موجب سلب امنیت قضایی شهروندان گردد. از این رو این پژوهش در نظر دارد تا با ارایه تحلیلی جامعه‌شناختی مصونیت دفاعی وکیل دادگستری در حقوق کیفری ایران مورد واکاوی و پژوهش قرار دهد.

### اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

قضاوت به عنوان یک مساله اجتماعی پیامدهای مطلوب و نامطلوب آن مستقیم به اعتماد نهادی و اجتماعی برمی‌گردد، اگر مردم اعتماد خود را به سیستم قضایی از دست بدهند، هرج و مرج به جامعه رسوخ پیدا می‌کند و مردم به دنبال حل قانونی مسایل نمی‌روند و کم‌کم سکه قانون از اعتبار می‌افتد و بسیاری از دستاوردهای تمدنی جامعه از بین می‌رود. بنابراین رعایت الزامات اقتدار قضایی به اجرای موفق سیاست‌های قضایی حاکم منوط می‌شود. با توجه به اینکه در قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام در امور قضایی و قانون آیین دادرسی کیفری به حضور وکیل در دعاوی اشاره نموده است، در مقررات قانونی با عدم حضور وکیل و با عذر موجه وی، تشکیل جلسات دادگاه غیر قانونی است، با لحاظ این امر اهمیت نهاد دفاع در عرصه قضایی کشور دارای نمود بنیادین است. اعتماد جامعه به این صنف در دفاع از حقوق مرتبط و ارتباط وکلا با مراجع قانونی و قضایی این امر را ضروری می‌نماید که جایگاه و صیانت از این نهاد و حدود و ثغور این جایگاه مشخص شود. این که وکلای دادگستری موفق به اخذ پروانه جهت حضور در مراجع قضایی شوند و مانند سایر اصحاب دعوی در مراجع قضایی حاضر شوند و به دفاع از موکلین خود بپردازند، هدف غایی و نهایی قانون نبوده است، اصولاً نیل به نتیجه توسط وکلا در پرونده‌های مرتبط باید از طریق دفاع علمی صورت پذیرد. رسیدن به این امر که دفاع علمی در مراجع

قضایی دارای جایگاه مهم و متضمن ارزش است، مستلزم اعتبار و جایگاه داشتن و کیل و همترازی حقوق مقامات قضایی و وکلای دادگستری است. به نحوی که نگاه دو طرف به همدیگر نگاه رقابتی نبوده و هر کدام از اختیارات قانونی در جهت انجام وظایف خود بهره‌مند باشند و توازن قوا در انجام وظایف قضایی و وکالتی در حالت تساوی باشد، اهمیت این امر در سمت و سوی نهاد وکالت خصوصاً از حیث آثار چه بسا مهمتر و ضروری‌تر است، زیرا تصمیم مقامات قضایی مستظهر به حاکمیت است و پشتیبانی از مشتقات دفاع و نهاد دفاع به گستردگی حمایت از قضا نیست. برای تبیین این امر و بیان موارد حمایت قانونی از دفاع و نهاد دفاع و مشتقات مربوط به آن بازشناسی و تحلیل قوانین و غور در قوانین حاکم و موضوعه ضرورت دارد، اما با تحلیل دقیق مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ در اصل مصونیت دفاعی تضمین برابری تأمینات و احترامات شاغلین شغل قضاء به نحو کامل و گسترده برای متولیان نهاد دفاع نیز وجود دارد. امری که تاکنون و از این زاویه به آن نگریده نشده است و این پژوهش در صدد است تا با نگاهی جامعه‌شناختی و تکیه بر استدلال‌ات اجتماعی و حقوقی با ارائه این امر و اثبات این اصل، افقی جدید در امر دفاع و تقویت جایگاه دفاعی و حقوق دفاعی جامعه و آثار مربوط به آن و بازیابی و اعتباربخشی حرفه وکالت را از حیث کارکردهای دو گانه وجود اصل و آثار آن ارائه دهد.

### سوالات و اهداف پژوهش

- ۱- استدلال‌های جامعه‌شناختی مصونیت دفاعی و کیل در حقوق ایران کدامند؟
- ۲- دلایل حقوقی مصونیت دفاعی و کیل در حقوق ایران کدامند؟
- ۳- مصونیت دفاعی و کیل در حقوق ایران به چه پیامدهایی منجر می‌شود؟

### ادبیات مفهومی و نظری پژوهش

#### دفاع و موضع دفاع در سیستم قضایی

در سیستم قضایی دفاع عبارت است از جوابی که اصحاب دعوی به یکدیگر می‌دهند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ۳۰۳). این امر ممکن است توسط اصحاب دعوی به نحو مستقیم صورت گیرد و یا به نحو غیر مستقیم و توسط وکیل مدافع این امر محقق شود. دفاع و پاسخگویی به دو صورت طبیعی و منبعث از اشراف علمی و بیان شفاهی و یا به نحو تدارک از قبل و با آمادگی کامل پدید می‌آید. هر انسان در اجتماع دارای حقوق زیادی است که قانون برای او معین کرده است، که از همه مهمتر حق دفاع در مقابل پیشامدهاست. در اجتماع امروزی هزاران پیش آمد ناگوار و برخوردهای خصمانه وجود دارد که انسان مجبور است برای حفظ خود و خانواده در مقابل آنها به دفاع

بپردازد. (فتحی، ۱۳۸۲: ۲۴). دفاع وکیل به دو صورت شفاهی و کتبی است. در دفاع شفاهی مطالب لازم جهت پاسخ به ادعا توسط وکیل بیان شده و توسط مقامات رسمی مرقوم می‌شود و در دفاع کتبی موارد مورد نیاز جهت دفاع در هیئت و قالب یک متن دفاعی حقوقی توسط وکیل به نگارش در آمده و تقدیم مراجع قضایی می‌گردد. مساعدت وکیل یکی از شیوه‌های اولیه تضمین حمایت از حقوق انسانی متهمین به جرم کیفری مخصوصاً حق دادرسی عادلانه است (طه و اشراقی، ۱۳۸۶: ۱۷۷). حق دفاع از طریق وکیل عبارت است از آگاه کردن از حق برخورداری از وکیل، حق داشتن ارتباطات محرمانه، حق برخورداری از مساعدت‌های حقوقی وکیل انتخابی یا معاضدتی یا تسخیری (طه و اشراقی، ۱۳۸۶: ۱۷۸). «دفاع» در مقررات دادرسی کیفری به نحو ویژه مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. قید عبارت «حقوق دفاعی» در ماده ۵ قانون آیین دادرسی کیفری و درج عبارت «ملاحظات کتبی» در ماده ۴۸ قانون مذکور، بیان عبارت «مطالبی را برای کشف حقیقت و دفاع از متهم» در ماده ۱۹۰ قانون پیشگفت، «ضرورت دفاع توسط وکیل» در تبصره ماده ۳۴۷ قانون مارالذکر، «اخذ آخرین دفاع از وکیل» در ماده ۳۷۱ قانون مذکور و رعایت حق دفاع وکیل و استفاده از نهاد وکالت در بند ۳ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی نشانگر اهمیت «دفاع» در فرایند دادرسی کیفری است.

### مصونیت دفاعی

مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام وکیل در موضع دفاع را دارای احترامات و تأمینات شاغلین شغل قضا دانسته است. احترامات، تأمینات و تضمینات حرفه ای قضات در حیطه اصل مصونیت قضایی قرار می‌گیرد. مصونیت قضائی قضات مشتمل بر مصونیت شغلی، مصونیت کیفری، مصونیت مدنی و مصونیت شخصی به عنوان احترامات و تأمینات قضائی محسوب می‌گردند. همین شقوق مربوط به مصونیت قضائی در مواقعی که وکیل مدافع در موضع دفاع قرار دارد، قابلیت انتقال و تسری به وکیل مدافع دارد. در هر موردی که در فرایند دادرسی، امر دفاع از موکل مقید به حضور وکیل در هر زمان و مکان در نزد موکل یا در غیاب موکل برای دفاع اعم از اینکه این حضور در مراجع رسمی یا غیررسمی انجام پذیرد، حالت حضور و استقرار قانونی وکیل در این فقرات را می‌توان موضع دفاع نامید. شقوق چهارگانه مصونیت قضائی با مصوبه قانونی مجمع تشخیص مصلحت نظام و از طریق فرایند انتقال مصونیت، به متولیان نهاد دفاع در موضع دفاع هدایت می‌گردد و باعث بهره‌مندی مقامات دفاعی از این تضمینات در موضع دفاع و مآلاً آثار آن می‌شود. این تضمینات دفاعی شامل مصونیت شغلی دفاعی، مصونیت کیفری دفاعی، مصونیت مدنی دفاعی و مصونیت شخصی دفاعی است.

## چارچوب نظری و پیشینه

آرای جامعه‌شناختی مورد تاکید در تحلیل جامعه‌شناختی مصونیت دفاعی وکیل، شامل؛ مسایل قانون‌مداری، نظارت‌پذیری و جامعه مدنی، آزادی کنشگر، اعتماد نهادی، اصل برائت، چارچوب تفکیک قوا، عدالت‌ورزی کانت و روالز، آزادی عمل کنشگر از نظر پوپر، برلین و سارتر بوده است. در یکی از نظریات جامعه‌شناختی نظریات قانون‌مداری با استفاده مساله نظم اجتماعی تبیین شده است. به نظر پارسونز کارکرد اولیه قوانین و نظام حقوقی، ایجاد و حفظ همبستگی نظام اجتماعی است و برای انجام این کار باید عناصر بالقوه تعارض و کشمکش را تعدیل کند و گفت و گوهای مسالمت آمیز اجتماعی را ایجاد کند و انسجام هنجارین را نیز برآورده سازد؛ یعنی نظام حقوقی باید به صورت نظام‌مند کنش‌های متقابل را از این راه تنظیم کند که همه افراد را بدون تبعیض در معرض انتظارات و تعهدات عمومی یکسان قرار دهد (ریترز و گودمن، ۱۳۹۰). به نظر پارسونز، یک نظام اجتماعی از مجموعه‌ای از کنشگران فردی ساخته می‌شود که در موقعیتی که دست کم جنبه‌ای فیزیکی یا محیطی دارد، با یکدیگر کنش متقابل دارند. این کنشگران بر حسب گرایش به ارضای حد مطلوب برانگیخته می‌شوند و رابطه آنها با موقعیت‌هایشان و همچنین با یکدیگر، بر حسب و به واسطه یک نظام ساختاربندی شده فرهنگی و نمادهای مشترک مشخص می‌شود (پارسونز، ۱۹۵۱: ۱۴۹؛ ریترز، ۱۳۹۰: ۱۳۵). بنابراین مصونیت دفاعی با این نظریه قابل دفاع است. علاوه بر این در رویکرد نظارت‌پذیری از آرای دورکیم استفاده شده است. دورکیم در ضرورت کنترل و نظارت تا آنجا پیش می‌رود که یکی از عوامل ناهنجاری را عدم نظارت و کنترل اجتماعی می‌داند. از نظر او هرگاه نفوذ نظارت‌کننده جامعه به گرایش‌های فردی، کارائی خود را از دست بدهد و افراد جامعه به حال خود واگذار شوند، جامعه به بی‌هنجاری دچار خواهد شد (کوزر، ۱۳۹۰: ۱۹۲). در نظام قضایی هم عدم نظارت به رویه‌های قضایی باعث کژکارکردی این سیستم می‌شود. یکی از مظاهر فقدان نظارت‌پذیری در نظام قضایی عدم رعایت عدالت است.

در رویکردی دیگر مصونیت دفاعی وکیل به مثابه آزادی کنشگر در جامعه مدنی بررسی شده است. در جامعه مدنی افراد کنشگران آزادی هستند که تاثیرگذاری زیادی در جامعه دارند. در فرایند تکاملی مفهوم جامعه مدنی، دولت دیگر حد و مرز جامعه را تعیین نمی‌کند، بلکه مشروعیت نظام سیاسی به رضایت کنشگران بستگی دارد. در نتیجه، حوزه مستقلی از رویه‌ها، حقوق و شأن اجتماعی شکل می‌گیرد (چاندوک، ۱۳۷۷: ۲۹). کارگزاران درون جامعه مدنی عبارت از نیروها، گروه‌ها، جنبش‌های اجتماعی، نهادها، سازمان‌ها، گروه‌های فشار انجمن‌ها و نمایندگان آنها هستند (بشیریه، ۱۳۸۵: ۳۲۲؛ رضایی طرخورانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۸). در حوزه‌های حقوقی برخی از این کنشگران شامل قضات، وکلا و هیات‌های منصفه و امثالهم هستند. از نظر هابرماس حقوق اساسی

شهروندان پایه حقوقی دارد و همین مساله پایه اتصال حقوق و سیاست است. متن قوانین اساسی همه کشورها نشان می‌دهد اصولی با عنوان‌هایی همچون حقوق اساسی، حقوق پایه، حقوق بنیادین، حقوق بشر، آزادی‌های مدنی، آزادی‌های فردی و آزادی‌های همگانی، به حقوق و آزادی‌های فردی اختصاص یافته است. در همین ارتباط هابرماس معتقد است اعضای جامعه صرفاً در حوزه عمومی و جامعه مدنی از نقش شهروندی برخوردار خواهند شد. در حوزه حقوق هم آزادی بیان به دست آمده در جامعه مدنی می‌تواند به بیان آزادانه و کلا در فرایند دادرسی تسری یابد و و کلا هم می‌تواند در سایه جامعه مدنی به مانند قضات مصونیت دفاعی داشته باشند، همانطور که شهروندان در جامعه مدنی آزادانه حق بیان اندیشه‌های خود را دارند. علاوه بر هابرماس که به آزادی کنشگر در جامعه مدنی اشاره می‌کند، تی.اچ. مارشال<sup>۱</sup> در جامعه مدرن سه نوع حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی معرفی می‌کند که حقوق مدنی متشکل از آزادی‌های فردی؛ حقوق سیاسی، حق مشارکت در اجرا و اعمال قدرت سیاسی را شامل می‌شود و حقوق اجتماعی به حق طبیعی فرد برای بهره‌مند شدن از حداقل استاندارد رفاه اقتصادی و امنیت مربوط می‌شود (مارشال، ۱۹۶۴: ۲۱؛ گیدنز، ۱۳۹۰: ۳۴۲).

رویکرد جامعه‌شناختی دیگر بحث اعتماد نهادی است. اعتماد نهادی از نظر بوردیو از طریق سرمایه فرهنگی نهادی شده تقویت می‌شود. این نوع سرمایه فرهنگی، نوعی رسمیت بخشیدن نهادی به سرمایه فرهنگی فرد است (شارع‌پور، ۱۳۸۱). اعتماد نهادی و میزان آن در جامعه می‌تواند برای نهادهای مرتبط با آن مفید باشد. هنگامی که اعتماد نهادی در جامعه بالا باشد، شهروندان آزادانه به دنبال اهداف خود خواهند رفت و در سیستم قضایی هم آزادی و کلا همان مصونیت آنها از دفاع تعبیر می‌شود و و کلا در این شرایط به راحتی و آزادانه از حقوق موکلین خود دفاع کنند. به طور کلی در جوامع دارای اعتماد نهادی بالا، میزان مصونیت دفاعی و کیل هم بالا می‌رود.

در زمینه تحلیل‌های جامعه‌شناختی موثر بحث تفکیک قوا مطرح است. همانطور که منتسکیو بیان می‌کند هدف تفکیک قوا جلوگیری از خودکامگی حاکمیت است (منتسکیو، ۱۳۷۰: ۳۹۷). بنابراین تفکیک قوا در بعد کلان به عنوان کنترل کننده قدرت حاکمیت مطرح است و در بعد خرد نیز می‌تواند از آزادی‌های مردم حمایت و حفاظت کند (قاضی، ۱۳۸۳: ۲۹۴). به طور کلی تفکیک قوا بر استقلال درونی یک قوا می‌افزاید و استقلال یک قوا می‌تواند به توانمندی و کارآمدی آن قوه کمک شایانی کند. در بحث تفکیک قوا عناصر هر قوه می‌توانند در تقسیم کار و پذیرش مسئولیت کارهای خود را داشته باشد و در دخالت در امور دیگران پرهیز شود. بر همین اساس تفکیک قوا در ارتباط با مصونیت دفاعی و کیل از چند جنبه تاثیرگذار خواهد بود. این رویکردها در دو

<sup>۱</sup> Marshall

دیدگاه کانت و راولز بررسی شده است. در نظریه عدالت کانت بر آن است که راه حلی برای صیانت از آزادی مدنی و فردی افراد و به حداکثر رساندن آن از یک سو و مهار و کنترل قانونمند آن از سوی دیگر بیاید. راولز عدالت خویش را بر دو پایه مهم؛ اصل آزادی و اصل تمایز قرار می‌دهد. اصل اول از آزادی‌های برابر و فرصت‌های برابر دفاع می‌کند و اصل دوم ناظر بر این است که در چه وضعی می‌توان گفت نابرابری عادلانه است (حیبی‌کندر و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۵).

نهایتاً همانطور که در رویکردهای نظری متعددی که هم در جامعه‌شناسی و هم در حقوق به کرات بر آنها تاکید شده، آزادی عمل کنشگر از اصلی‌ترین مصادیق مصونیت دفاعی و کلا در فرایند دادرسی است. بر اساس آرای پوپر، برلین و سارترحوزه آزادی که مستقیماً این مفهوم را مورد واکاوی قرار داده‌اند، آزادی کنشگر به افزایش حوزه اختیار او منجر می‌شود و در رویه‌های قضایی آزادی و کلا در فرایند دفاع به مثابه مصونیت دفاعی او می‌باشد. بر همین اساس بخشی از آزادی در داشتن اراده و اختیار خلاصه می‌شود و مصونیت دفاعی و کلا همان افزایش اختیارات قانونی او می‌شود. در ادامه آرای این سه اندیشمند و ارتباط آزادی مورد نظر آنها با مساله مصونیت دفاعی و کیل بررسی و تحلیل شده است.

در راستای مطالعه کارهای پژوهشی انجام شده در این حوزه باید گفت تعداد کمی کار پژوهشی در این زمینه انجام شده است و عمده مدارک بررسی شده در ادبیات نظری این پژوهش به تفاسیر مفاهیم بنیادی مرتبط با موضوع پژوهش مربوط می‌شود. در ارتباط مصونیت دفاعی و کیل پژوهش‌های انگشت‌شماری انجام شده است. جعفری و همکارانش (۱۳۹۵) در پژوهشی به صورت یک مطالعه تطبیقی حق برخورداری از وکیل در مرحله تعقیب در حقوق داخلی ایران و اسناد و رویه‌های محاکم کیفری بین‌المللی بررسی کرده‌اند. یافته‌ها نشان داده که در طول سال‌های گذشته هم در حقوق داخلی کشورها و هم در رویه محاکم کیفری بین‌المللی تحولات عدیده‌ای در ارتقای حقوق صورت گرفته است. توجهی و محمدکوره‌پز (۱۳۹۸) در پژوهشی تحلیلی گونه‌شناسی محدودیت‌های حق دسترسی به وکیل در جرایم امنیتی با تأکید بر مرحله پیش‌دادرسی به صورت مطالعه تطبیقی انجام داده و نتایج سایر کشورها نیز ایجاد محدودیت در دسترسی به وکیل در جرایم امنیتی را ضروری می‌دانند. تدین و خانجانی (۱۳۹۵) در پژوهشی مرتبط با مصونیت دفاعی و کیل اصل هم ترازوی حقوق اصحاب دعوا در فرایند دادرسی‌های کیفری را بررسی کرده‌اند. بر این اساس، در مقررات جدید قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز این اصل در چارچوب اتهامی شدن مرحله تحقیقات مقدماتی و گرایش به توافقی شدن این مرحله نمود یافته است. فرق این کار تحلیل بین رشته‌ای و استفاده همزمان از رویکردهای جامعه‌شناختی و حقوقی است. همه



کارهای انجام شده در این حوزه عمدتاً حقوقی هستند و کمتر رویکردهای جامعه‌شناختی در این حوزه را دخیل داده‌اند.

### روش پژوهش

روش این پژوهش توصیفی و از نوع اسنادی است. به کارگیری روش پژوهش اسنادی یکی از ویژگی‌های عمده روش شناختی در پژوهش‌های علوم انسانی، به‌ویژه مطالعات جامعه‌شناختی با بُرد کلان، به‌شمار می‌رود. در این روش استفاده هدفمند از روش اسناد حقوقی و جامعه‌شناختی مرتبط با مصونیت دفاعی و کیل دادگستری در حقوق کیفری ایران انجام شده و اطلاعات مورد نیاز به صورت فیش‌برداری برای توصیف و تبیین نهایی گردآوری و تحلیل شده‌اند.

### یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش در دو بخش کلی در بخش جامعه‌شناختی و بخش حقوقی ارایه شده‌اند. بسیاری باور دارند که تبعیض و بی‌عدالتی در دادگاه‌ها غیر قابل انکار است و عدالت جامعه‌شناختی مجموع قواعدی است که تبعیض و بی‌عدالتی را به عنوان انحراف از رویه قضایی مطرح کرده است. دونالد بلک<sup>۱</sup> (۱۹۹۳) جامعه‌شناس برجسته حقوقی معتقد است قانون روندی اجتماعی است که در آن بی‌عدالتی ذاتی است. در حقیقت، وضعیت اجتماعی به گونه‌ای است که نه تنها طرفین دعوا، بلکه و کلا، هیئت منصفه و قاضی را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد و ویژگی‌های اجتماعی می‌تواند در یک پرونده تأثیر بگذارد (بلک، ۱۹۹۳: ۳). بنابراین درک احساس عدالت از طرف و کلا با داشتن مصونیت قضایی روند رو به رشدی برای عدالت قضایی به وجود می‌آورد. بنابراین تحلیل وضعیت عدالت از نگاه جامعه‌شناختی در حوزه حقوق قضایی به درک بهتر روندهای حقوقی کمک می‌کند؛ چرا که بی‌عدالتی منشأ اجتماعی دارد و به نابرابری اجتماعی منجر می‌شود. البته نابرابری اجتماعی به عنوان یکی از شاخص‌های عدالت مفهومی قابل رویت است و ماهیتی عینی دارد. عدالت در نگاه جامعه‌شناختی مشتمل بر مجموعه شاخص‌های ذهنی و عینی احساس عدالت است (هله<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۸: ۶۶۳). بر همین اساس داشتن مصونیت قضایی برای و کلا به مانند قضات یکی از جنبه‌های عینی احساس عدالت در نظام قضایی است.

<sup>۱</sup> Donald Black

<sup>۲</sup> Hülle

## ۱- رویکردهای جامعه‌شناختی مصونیت دفاعی و کیل

### ۱-۱- تالکوت پارسونز و قانون‌مداری

سیاست‌گذاری صحیح در جامعه طبق الگوی پارسونز از اجماع عمومی بر سر ارزش‌ها فراهم می‌شود. از نظر پارسونز کارکرد صحیح سیستم مستلزم آن است که همه اعضای جامعه در مورد درستی‌ها و نادرستی‌ها، ارزش‌های بنیادی و موضوعات اخلاقی به توافقی عام دست یابند. اگر افراد اعتماد خود را به جامعه (سیستم) از دست دهند، در پی تغییر آن برخوانند آمد (روشه، ۱۳۹۱: ۷۶). بنابراین نظم اجتماعی دچار تنش و بی‌نظمی می‌شود. در نظام اجتماعی سالم همه عناصر آن به خوبی کارکرد خود را انجام می‌دهند و حتی نظام حقوقی و کارکرد درست آن باعث ایفای نقش کلیدی در حفظ مقررات و انسجام (یکپارچگی) جامعه می‌شود. کارکردگرایان ساختاری و در رأس آنها پارسونز بر وفاق همگانی تأکید و بر این واقعیت پافشاری می‌کنند که افراد از نظر اخلاقی در چارچوب ساختارهای اجتماعی موجود عمل می‌کنند. به نظر آنان همکاری اختیاری، ارادی و وفاق همگانی، چیزی است که نظام اجتماعی را یکپارچه می‌کند. از این رو هرگونه تعارض، نزاع یا آشوب و ناآرامی را زیانبار می‌دانند و بر این باورند که باید به سرعت برطرف شود و چنان تعدیل گردد که نظام اجتماعی دوباره بتواند به نظم بازگردد (تروینو<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶: ۳۱۲). بنابراین عدم مصونیت دفاعی و کیل در نظام حقوقی به عنوان یک تعارض در نظام حقوقی زیانبار بوده و برای یکپارچگی کل نظم باید این خلأ برطرف شود. به طور کلی نظریه کارکردگرایانه پارسونز بر محور مدلی از جامعه، مبتنی بر تعادل حیاتی، قرار دارد، به این معنا که، نهادهای جامعه می‌کوشند تعادل خودشان را دوباره به دست آورند. در نتیجه، سیستم اجتماعی به گونه‌ای طراحی می‌شود که تعارض‌ها را به حداقل برساند. حکومت، از طریق اقتدار مشروع و با وضع و اعمال قوانین، در پی حفظ ثبات در سیستم بزرگ‌تر برمی‌آید. پارسونز وقتی از سیستم اجتماعی سخن می‌راند، آن را به عنوان منبع اصلی قانون‌پذیری مورد توجه قرار می‌دهد، زیرا سیستم اجتماعی از نظر او شامل هنجارها و ارزش‌ها و سایر افکار عموماً پذیرفته شده‌ای است که بر انتخاب هدف‌ها و وسایل تأثیر می‌گذارند (کرایب، ۱۳۸۸: ۵۵). همچنین پارسونز حقوق را به عنوان مکانیزم کنترل اجتماعی می‌داند. به نظر وی، حقوق مجموعه‌ای از هنجارها یا قواعد حاکم بر رفتار انسانی در وضعیت‌های اجتماعی است. پارسونز معتقد است به دو دلیل باید حقوق را مکانیزم عام برای کنترل اجتماعی برشمرد. اول اینکه حقوق، نهادی است که با قواعد الگو یافته سروکار دارد و به انتظارات و تعهداتی مربوط می‌شود که در مورد آنها، ضمانت اجراهای گوناگون یا مجازات‌هایی برای عدم

<sup>۱</sup> Tervino

سازگاری و انطباق اجرا می‌کند؛ همچنین حقوق، کارکردی عمومی در جهت تنظیم هرگونه رابطه اجتماعی دارد (تروینو، ۱۹۹۶: ۳۱۹). تروینو (۱۹۹۶) متذکر می‌شود که به نظر پارسونز کارکرد اولیه قوانین و نظام حقوقی، ایجاد و حفظ همبستگی نظام اجتماعی است و برای انجام این کار باید عناصر بالقوه تعارض و کشمکش را تعدیل کند و گفت و گوهای مسالمت آمیز اجتماعی را ایجاد کند و انسجام هنجارین را نیز برآورده سازد؛ یعنی نظام حقوقی باید به صورت نظام مند کنش‌های متقابل را از این راه تنظیم کند که همه افراد را بدون تبعیض در معرض انتظارات و تعهدات عمومی یکسان قرار دهد (ریتزر و گودمن، ۱۳۹۰). به نظر پارسونز، یک نظام اجتماعی از مجموعه‌ای از کنشگران فردی ساخته می‌شود که در موقعیتی که دست کم جنبه‌ای فیزیکی یا محیطی دارد، با یکدیگر کنش متقابل دارند. این کنشگران بر حسب گرایش به ارضای حد مطلوب برانگیخته می‌شوند و رابطه آنها با موقعیت‌هایشان و همچنین با یکدیگر، بر حسب و به واسطه یک نظام ساختاربندی شده فرهنگی و نمادهای مشترک مشخص می‌شود (پارسونز، ۱۹۵۱: ۱۴۹؛ ریتزر، ۱۳۹۰: ۱۳۵).

بنابراین اگر یک کنشگر مانند وکیل در نظام قضایی دارای نمادی مشترک با بقیه عوامل قضاوت نباشد، یعنی مصونیت دفاعی برای بقیه باشد و برای وکیل نباشد، وکیل به عنوان یک کنشگر فاقد همنوایی با کل مجموعه می‌شود و احساس بی‌عدالتی می‌کند. بر همین اساس وکیل در جامعه حقوقی و سیستم قضاوت عضوی از نظام حقوقی بوده چرا که رابطه آنها یک رابطه تعاملی است که برخوردار از عدالت باعث همنوایی بیشتر و کلاً با سیستم قضایی می‌شود. بنابراین وکیل به عنوان یک کنشگر در این نظام حقوقی می‌تواند هم نقش انسجام بخشی (یکپارچگی) و هم نقش کنشگر منفعلی در نظام حقوقی داشته باشد. بنابراین در نظام حقوقی هم اجماع عمومی بر سر ارزش‌های حقوقی به وسیله همه کنشگران محقق می‌شود. به طور کلی یکپارچگی یک نظام اجتماعی از نظر پارسونز برای بقا و ماندگاری به سازوکارهای نظارت اجتماعی به منظور همنوایی نیاز دارد. با وجود این، نظارت اجتماعی در نگاه پارسونز دقیقاً نقش خط دفاعی را بازی می‌کند. یک نظام موقعی به بهترین شکل اداره خواهد شد که نظارت اجتماعی فقط به مقدار بسیار کم به کار گرفته شود. دلیل دیگر آن که، هر نظامی باید ظرفیت آن را داشته باشد که بتواند با برخی از تغییرات و انحرافات مدارا کند. یک نظام اجتماعی انعطاف پذیر از نظام زودرنجی که هیچ‌گونه انحرافی را بر نمی‌تابد نیرومندتر است و دلیل آخر این که هر نظام اجتماعی باید طیف وسیعی از فرصت‌های نقشی را ایجاد کند تا شخصیت‌های مختلف بتوانند در قالب آنها ابراز وجود کنند بدون آن که یکپارچگی نظام را تهدید نمایند (پارسونز، ۱۹۵۱: ۳۱۹). در نظام حقوقی هم کنشگرانی مانند وکلا باید در مطالبه‌گری آنها در راستای برخوردار از حق مصونیت دفاعی به منظور حفظ یکپارچگی نظام حقوقی باید ابراز وجود کنند. چرا که این مطالبه به عنوان راهبردی تعادل بخش برای جلوگیری از گرایش‌های شدید به انحراف

مورد توجه بوده است. بنابراین هم‌نوایی و مدارا یکی از اصول مورد تاکید پارسونز در جوامع است. اصل مدارا پیوند دهنده مسایل حقوقی و جامعه‌شناختی پارسونز است. مدارا در مسایل حقوقی باعث حل تنش‌ها و منازعات حقوقی می‌شود. بنابراین در علم حقوق مصونیت دفاعی و کیل، مدارا برای سیستم قضاوت عادلانه‌تر است و در جامعه‌شناسی مدارا و هم‌نوایی اصل بقای نظام حقوقی است و در حوزه‌های حقوقی هم مصونیت دفاعی و کلا می‌تواند اعتماد افراد را به سیستم قضایی بیشتر کند.

## ۱-۲- نظارت‌پذیری و مصونیت دفاعی و کلا

کنترل و نظارت اجتماعی مفهومی مهم در جامعه‌شناسی است و امروزه خود یک حوزه مستقل از حوزه‌های جامعه‌شناسی محسوب می‌گردد. لذا بحث از نظارت‌پذیری در واقع مقصود نهایی و مطلوب پایانی مباحث علوم اجتماعی پیرامون رفتارهای ناهنجار و مخالف با اصول و موازین اجتماعی است. زیرا تمام مباحث و مطالب مهم تخصصی معطوف به کجروی، آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات، بدان سبب است تا ابزارهای مناسب و کارآمد را به شیوه‌ای متناسب و مؤثر برای مقابله با انحرافات و کجروی‌ها شناسایی کرده و برای نظارت اجتماعی بکار گیرند. اگر چه اصل نظارت اجتماعی، در عقاید و افکار دینی هم مطرح است، اما امروزه اندیشمندان اجتماعی، به طور جدی آن را مطرح و پی‌گیری می‌کنند و در سه دهه اخیر از سوی عالمان اجتماعی و شاهدان عینی بازتاب اندیشه‌ها در عرصه اجتماعی، مسئله کنترل و نظارت اجتماعی بسیار جدی تعقیب می‌شود. (کریمی، ۱۳۸۵: ۵۶۸).

از نظر دورکیم جامعه، نیروی تنظیم‌کننده‌ای می‌سازد تا همان نقش را در تأمین نیازهای اخلاقی انسان ایفا کند که ارگانسیم در تأمین نیازهای جسمی ایفا می‌کند (کوزر، ۱۳۹۰: ۱۹۱). دورکیم در ضرورت کنترل و نظارت تا آنجا پیش می‌رود که یکی از عوامل ناهنجاری را عدم نظارت و کنترل اجتماعی می‌داند. از نظر او هرگاه نفوذ نظارت‌کننده جامعه به گرایش‌های فردی، کارائی خود را از دست بدهد و افراد جامعه به حال خود واگذار شوند، جامعه به بی‌هنجاری دچار خواهد شد (کوزر، ۱۳۹۰: ۱۹۲). در نظام قضایی هم عدم نظارت به رویه‌های قضایی باعث کژکارکردی این سیستم می‌شود. یکی از مظاهر فقدان نظارت‌پذیری در نظام قضایی عدم رعایت عدالت است. بر اساس این تبیین نظری دورکیم بی‌عدالتی در مصونیت دفاعی و کیل به مانند مصونیت قضایی قضات نمادی از بی‌عدالتی است که پیامدهای نامطلوبی مانند جرم‌خیزی و کجری را به دنبال خواهد داشت. به طور کلی نظریه‌های نظارت‌پذیری و کنترل، هم‌نوایی را حاصل وجود پیوندهای اجتماعی میان افراد جامعه و اعمال انواع کنترل از طرف جامعه بر افراد می‌دانند، بنابراین انحراف از این دیدگاه نتیجه شکست عوامل کنترل اجتماعی مانند پلیس،

دستگاه قضایی و امنیتی و عوامل کنترل درونی است (شومیکر، ۱۳۸۹: ۲۵۸). تبیین نظری این رویکرد نشان می‌دهد که می‌توان مساله نظارت‌پذیری را با مصونیت دفاعی وکلا مرتبط دانست. بر همین اساس اگر فرایندهای نظارت‌پذیری در جامعه ضعیف باشند، آن جامعه مستعد بی‌هنجاری می‌شود. حتی اگر فرایند نظارت‌پذیری در حد نهادی هم باشد، در نهادی مانند سیستم قضایی فقدان نظارت‌پذیری این نهاد را به بی‌هنجاری سوق می‌دهد. بنابراین اگر انتظار باشد که نهاد قضایی کارکردهای خود را به خوبی انجام دهد و در آن وکلا بتوانند قانونی و با اقتدار از موکلین خود دفاع کنند، لزوم نظارت‌پذیری در این سیستم باید بیش از پیش احساس شود. از نظریات دیگری که می‌توان در این حوزه تبیینی قرار گیرد، نظریه نظریه پنجره‌های شکسته<sup>۱</sup> است. بر اساس این نظریه چنانچه شهروندان یک جامعه و ضابطان قضایی آن نسبت به جرایم خفیف و انحرافات خرد با دیده چشم پوشی برخورد کنند، این امر در دراز مدت باعث می‌شود که در آن منطقه و محله بی‌نظمی به وجود آید و چنین تصور شود که آن محله یا گروه به گمان برخی از افراد صاحب ندارد که به انحرافات و کجروی‌ها پاسخ دهد. از دل این بی‌نظمی ناشی از عدم برخورد با جرایم ساده و خفیف، جرایم بزرگ و شدید به وجود می‌آیند. بنابراین، جرم ناشی از تداوم بی‌نظمی است و برخورد قوی و قاطع و بدون چشم پوشی با جرایم ساده می‌تواند از بروز جرایم بزرگ‌تر جلوگیری کند (شجاعی، ۱۳۸۰: ۹۳؛ احمدی، ۱۳۸۷: ۶۵؛ کاوه، ۱۳۹۱: ۷۸). بنابراین اگر این رویکرد نظری در بین ضابطان قضایی هم به ویژه در مورد اعطای مصونیت دفاعی به وکلا مورد بی‌توجهی قرار گیرد زمینه بروز بی‌عدالتی و اعتراض و حتی بروز جرایم قضایی و روآوری برخی وکلا به رفتارهای مجرمانه گردد.

### ۱-۳- مصونیت دفاعی وکیل به مثابه آزادی کنشگر در جامعه مدنی

لازمه کنش آزادانه در جامعه داشتن آگاهی از حقوق است. در یک فضای آزاد و مدنی کنشگران می‌توانند آزادانه نظرات خود را بیان کنند. این آزادی هم در حوزه حقوقی با داشتن مصونیت دفاعی وکلا به دست می‌آید. در یک جامعه مدنی آزاد افراد می‌توانند آزادانه نظرات خود را در مورد هر چیزی بدون ترس از هر گونه سلطه بیان کنند. جامعه مدنی به عنوان نهادی میانجی میان فرد و حکومت در چارچوب تجزیه و تحلیل سیاست عمومی قابل توجه است و جامعه مدنی ناظر بر سازمان‌ها، نیروها، اجتماعات مستقل متکثر و متنوعی است که ضمن استقلال از دولت، رابطه میان حاکمان و مردم را تنظیم، تعدیل و مشروعیت می‌دهد. این تشکلهای مجرای ورود شهروندان به عرصه یا حوزه سیاست هستند یا می‌توانند باشند (ازغندی، ۱۳۸۵: ۷). در جامعه مدنی افراد

<sup>۱</sup> Broken windows theory

کنشگران آزادی هستند که تاثیرگذاری زیادی در جامعه دارند. در فرایند تکاملی مفهوم جامعه مدنی، دولت دیگر حد و مرز جامعه را تعیین نمی‌کند، بلکه مشروعیت نظام سیاسی به رضایت کنشگران بستگی دارد. در نتیجه، حوزه مستقلی از رویه‌ها، حقوق و شأن اجتماعی شکل می‌گیرد (چاندوک، ۱۳۷۷: ۲۹). کارگزاران درون جامعه مدنی عبارت از نیروها، گروه‌ها، جنبش‌های اجتماعی، نهادها، سازمان‌ها، گروه‌های فشار انجمن‌ها و نمایندگان آنها هستند (بشیریه، ۱۳۸۵: ۳۲۲؛ رضایی طرخورانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۸). در حوزه‌های حقوقی برخی از این کنشگران شامل قضات، وکلا و هیات‌های منصفه و امثالهم هستند.

مفهوم جامعه مدنی زمانی شکل گرفت و وارد نظریه سیاسی شد که نظریه پردازان به تدریج بر این نکته تاکید نمودند که حوزه اجتماعی به گونه ای مستقل از جهت گیری خاص قدرت دولتی می‌تواند به خودش سامان دهد. اگر بتوان جامعه مدنی را به روال غالب آن در سنت نوگرایی سیاسی تحلیل کرد، ناگزیر باید ریشه آن را در فردگرایی و دفاع از حقوق بشر جستجو کرد. فلسفه وجودی جامعه مدنی در این رهیافت تفکیک تحلیلی دو حوزه مدنی و سیاسی است تا توازن قدرت بین شهروندان و دولت با وساطت جامعه مدنی برقرار شود. در این سنت اعضای جامعه مدنی افرادی «آزاد و خودمختار» هستند و عضویت در این حوزه برای همگان آزاد است. همچنین در این نگرش ارتباط تنگاتنگی بین دموکراسی و عناصر آن از یک سو و جامعه مدنی از سوی دیگر برقرار است. برهان جامعه مدنی از خودگردانی این حوزه از طریق ایجاد آگاهانه شبکه‌های مستحکمی از انجمن‌ها، گروه‌های خودیاری و جنبش‌های اجتماعی دفاع می‌کند. در واقع، تکیه بر شبکه‌های خودیاری مستقل از دولت، خصوصیت ممتاز اندیشه معاصر است، زیرا این گرایش با اشکال قدیمی تر مبارزه که در پی تصاحب تمام یا بخشی از قدرت دولت بودند، فرق دارد (بلوچلی<sup>۱</sup>، ۱۹۸۵). در این رویکرد افراد به واسطه جامعه مدنی، کنترل کننده قدرت سیاسی هستند، چرا که آزادانه می‌توانند بر روندهای قدرت تاثیر بگذارند. از نظر هابرماس<sup>۲</sup> حقوق اساسی شهروندان پایه حقوقی دارد و همین مساله پایه اتصال حقوق و سیاست است. متن قوانین اساسی همه کشورها نشان می‌دهد اصولی با عنوان‌هایی همچون حقوق اساسی، حقوق پایه، حقوق بنیادین، حقوق بشر، آزادی‌های مدنی، آزادی‌های فردی و آزادی‌های همگانی، به حقوق و آزادی‌های فردی اختصاص یافته است. حقوق اساسی شهروندان به معنای سازمان‌دهی و ایجاد همزیستی مسالمت‌آمیز بین عوامل قدرت و آزادی در هر جامعه سیاسی است (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۹۲). بنابراین آنچه اهمیت دارد آگاهی افراد جامعه از این حقوق است؛ پیش فرض اصلی این است که آگاهی از حقوق، مبنای عمل و تحقق واقعی آن است (شیانی، ۱۳۸۱: ۶۹). باید توجه

<sup>۱</sup> Bluntschli

<sup>۲</sup> Habermas

داشت که آگاهی از حقوق اساسی است که به فرد اجازه می‌دهد تا در زندگی اجتماعی خود دخالت آگاهانه داشته است و وی را به شخصی فعال تبدیل می‌کند که ماحصل آن، پاسخگو شدن نهادهای اجتماعی است. هابرماس در چارچوب‌بندی این نظریه معتقد است که حوزه عمومی عرصه‌ای است که در آن افراد برای مشارکت در مباحث باز و علنی گرد هم می‌آیند (هولاب، ۱۳۸۶: ۲۶). در چنین حوزه‌ای اصول برابری و امکان دسترسی، اصولی غیر قابل حذف هستند و نتیجه و پیامد گفتگو مهم نیست، بلکه مهم این است که روند گفتگو و عقلانیت حاکم بر آن دموکراتیک است (شیانی، ۱۳۸۴: ۴۷). وقتی حق گردهمایی و اجتماع با یکدیگر وجود داشته است و در مورد موضوعات روز و مسائل سیاسی گفتگو صورت پذیرد، حوزه عمومی شکل خواهد گرفت (بهرامی، ۱۳۸۱: ۹۲). در همین ارتباط هابرماس معتقد است اعضای جامعه صرفاً در حوزه عمومی و جامعه مدنی از نقش شهروندی برخوردار خواهند شد. از رهگذر جامعه مدنی، در حوزه عمومی که حد واسط نظام سیاسی و بخش‌های خصوصی زندگی است، مسائل مختلف حل خواهند شد. در این حوزه‌ها، افراد مسئولیت‌ها و حقوق خود را به عنوان شهروند می‌پذیرند و قادر به بیان نظریه‌ها و عقایدشان می‌شوند (شیانی، ۱۳۸۱: ۲۹). هابرماس حوزه عمومی فعال را فضایی برای گسترش حقوق موجود در جامعه می‌داند (هابرماس، ۱۹۹۶: ۳۷۰). در حوزه حقوق هم آزادی بیان به دست آمده در جامعه مدنی می‌تواند به بیان آزادانه و کلا در فرایند دادرسی تسری یابد و وکلا هم می‌توانند در سایه جامعه مدنی به مانند قضات مصونیت دفاعی داشته باشند، همانطور که شهروندان در جامعه مدنی آزادانه حق بیان اندیشه‌های خود را دارند. داشتن این حق در جامعه به پیشفرض آگاهی از حقوق اساسی افراد بستگی دارد. اهمیت آگاهی از حقوق اساسی به این سبب است که شناخت حقوق اساسی، برای ایجاد و گسترش بسترهای جامعه مدنی اهمیت بسیاری دارد؛ به بیان دیگر، اعضای جامعه هنگامی مجال مشارکت واقعی و آگاهانه را در عرصه‌های مختلف می‌یابند که نسبت به حقوق خود، آگاهی داشته‌اند و به آن عمل نمایند (کلدی و پوردهناد، ۱۳۹۱: ۳۵)؛ بنابراین می‌توان اهمیت آگاهی از حقوق اساسی را این‌گونه بیان کرد که برای پاسخگو کردن دولت، بازداشتن آن از دست‌اندازی در امور خصوصی افراد و به طور کلی مسدود کردن منافذ استبداد که از مهم‌ترین دغدغه‌های اندیشمندان علم سیاست در طول تاریخ است، مفهوم جامعه مدنی مطرح شده است. این مفهوم، حامی مردم و حقوق آن‌ها در برابر قدرت دولت است و پاسخگویی دولت، ایجاد حق اظهار نظر برای شهروندان، قانون‌مداری و... را که در کنار هم مفهوم حکمرانی خوب را تشکیل می‌دهند، به ارمغان می‌آورد (ساعی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۴). حال آن‌چه پایه‌ای اساسی برای شکل‌دهی و تقویت جامعه مدنی است، آگاهی مردم از حقوق خود است. البته این وضعیت در زمینه نهادهای حقوقی و به ویژه آزادی وکیل در فرایند دادرسی بسیار مهمتر است و

آزادی وکیل در فرایند دادرسی به عنوان یک کنشگر بدون مصونیت دفاعی به سرکوب و قانون شکنی منجر می شود.

علاوه بر هابرماس که به آزادی کنشگر در جامعه مدنی اشاره می کند، تی.اچ. مارشال<sup>۱</sup> اولین اندیشمندی است که مباحث حقوق را به طور مدون وارد جامعه شناسی کرده (نش، ۱۳۹۰: ۱۹۱) و معتقد است در جامعه مدرن سه نوع حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی وجود دارد که حقوق مدنی متشکل از آزادی های فردی؛ حقوق سیاسی، حق مشارکت در اجرا و اعمال قدرت سیاسی را شامل می شود و حقوق اجتماعی به حق طبیعی فرد برای بهره مند شدن از حداقل استاندارد رفاه اقتصادی و امنیت مربوط می شود (مارشال، ۱۹۶۴: ۲۱؛ گیدنز، ۱۳۹۰: ۳۴۲). بر اساس حق برخورداری از حقوق مدنی آزادی های فردی فرد به توازن قدرت سیاسی کمک کرده و در حوزه حقوقی نیز آزادی کنشگر (وکیل) باعث دفاع عادلانه از روند دادرسی می شود.

#### ۱-۴- اعتماد نهادی بوردیو

اعتماد نهادی دلالت دارد بر میزان مقبولیت و کارایی و اعتمادی که مردم به نهادها دارند. به تعبیر دوگان<sup>۲</sup> انعکاس فقدان اعتماد به نهادها در اغلب موارد نتیجه بی اعتمادی به افرادی است که عهده دار امور آن نهادها هستند (دوگان، ۱۳۷۴: ۱۰؛ علی پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۶؛ میرفردی و احمدی قارنائی، ۱۳۹۵: ۳۴). همچنین اعتماد نهادی خصلت وجودی دارد؛ انسان ها از طریق آن خود را تعریف می کنند و هویت انسان ها در گرو این اعتماد است (خادمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۰). اعتماد نهادی، بیانگر اعتماد مردم به نهادها و سازمان هایی است که وظیفه تدوین، اجرا و نظارت بر قانون، اطلاع رسانی و تأمین نیازهای اساسی مردم را بر عهده دارند (حیدری، ۱۳۹۳: ۷۷). اعتماد نهادی یا اعتماد به دستگاه های اجرایی به عنوان یک مقوله اجتماعی، از مسائل اساسی بوده و نمود آن در تمامی سطوح جامعه متبلور است (عباس زاده و همکاران، ۱۳۸۴: ۸۶) و در سیستم قضایی این اعتماد بسیار مهم و حیاتی است؛ چرا که از یک طرف، بی اعتمادی باعث فرسایش سرمایه اجتماعی شده و به انزوای ذره ای شدن، گسسته شدن پیوندها و از بین رفتن شبکه روابط بین فردی و نهادی می انجامد. از طرف دیگر، بی اعتمادی با تحریک و برانگیختن افراد در جهت جستجو برای یافتن جانشین ها اغلب با پذیرش هویت های غیرقانونی (در باندهای بزهکاری، خرده فرهنگ های منحرف و نظایر آن) خود را از حالت فردیت خارج کرده و او را از خود بیگانه می سازد (زتومکا، ۱۳۸۴: ۱۲۲؛ عباس زاده و همکاران، ۱۳۸۴: ۸۶). به طور کلی اعتماد نهادی اعتماد ناشی از

<sup>۱</sup> Marshall  
<sup>۲</sup> Dogan



واکنش‌های منطقی افراد به عملکرد نهادهاست (پناهی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۲). حوزه تعامل و ارتباطی در این نوع اعتماد از سطح روابط و تعامل درون گروهی به تعامل بین گروهی و نهادی ارتقا می‌یابد و اعتماد اعضا جامعه به نهادها و اصناف اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد و نقش‌های اجتماعی نیز موضوعات انتزاعی‌تر اجتماعی هستند. حالت انتزاعی‌تر اعتماد معطوف به نهادها و سازمان‌هایی مانند مدرسه، دانشگاه، ارتش، نظام قضایی، نیروی انتظامی، بانک‌ها، دولت، مجلس، کارخانه‌ها و غیره است (بوردیو، ۱۳۸۴: ۱۳۶). اعتماد نهادی از نظر بوردیو از طریق سرمایه فرهنگی نهادی شده تقویت می‌شود. این نوع سرمایه فرهنگی، نوعی رسمیت بخشیدن نهادی به سرمایه فرهنگی فرد است (شارع‌پور، ۱۳۸۱). به طور کلی اعتماد نهادی، شرط فاصله‌گیری زمانی - مکانی و حوزه‌های گسترده امنیت در زندگی روزانه است، که در نهادهای مدرن در مقایسه با جهان سنتی ارایه می‌کنند. برای یک آدم غیرمتخصص اعتماد به نظام‌های تخصصی نه به آشنایی کامل با این فراگردها و نه به تسلط بر دانشی که این فراگردها بدست می‌دهند، بستگی دارد. پس اعتماد دست کم به گونه‌ای جزئی، خواه ناخواه یکی از موارد ایمان به شمار می‌آید. بنا به تاکید اریکسون، اعتماد به اشخاص، مبتنی بر پاسخ متقابل و دخالت داشتن است، ایمان به صداقت دیگران، سرچشمه اصلی احساس یکپارچگی و اصالت خود است. اعتماد به نظام‌های انتزاعی امنیت را در اعتماد پذیری روزانه فراهم می‌سازد. اما ذاتاً نمی‌تواند ادراک متقابل یا صمیمیتی را عرضه کند. روابط و تعامل اجتماعی بین افراد باعث افزایش اعتماد بین شخصی است. بنابراین انتقال مستقیم اعتماد فردی با عناصر فراوانی از ادراک متقابل امکان پذیر است، اما بر خلاف آنها، در مورد نظام‌های انتزاعی، اعتماد مستلزم اعتقاد به اصول غیرشخصی است، اصولی که تنها به شیوه‌ای آماری پاسخگو می‌شوند. آنهم زمانی-که نتایجی که آدم‌ها از آنها انتظار دارند بدست ندهند. به اعتقاد گیدنز در اعتماد به نظام‌ها، پابندی بی واسطه‌ای به وجود می‌آید که طی آن اعتماد به کارایی‌های دانشی که شخص عادی تقریباً از آن چیزی نمی‌داند، حفظ می‌شود. در صورتی که در اعتماد به اشخاص، به ارتباط رو در رو نیاز است که طی آن نشانه‌های صداقت دیگران جستجو می‌شود (ریترز، ۱۳۷۴: ۱۰۴ و ۱۰۵). اعتماد نهادی و میزان آن در جامعه می‌تواند برای نهادهای مرتبط با آن مفید باشد. هنگامی که اعتماد نهادی در جامعه بالا باشد، شهروندان آزادانه به دنبال اهداف خود خواهند رفت و در سیستم قضایی هم آزادی و کلا همان مصونیت آنها از دفاع تعبیر می‌شود و وکلا در این شرایط به راحتی و آزادانه از حقوق موکلین خود دفاع کنند. به طور کلی در جوامع دارای اعتماد نهادی بالا، میزان مصونیت دفاعی و کیل هم بالا می‌رود.

### ۱-۵- اصل برائت

از جمله اصول عملی، اصل برائت است. بر اساس این اصل در مسائل کیفری کسی مجرم نیست، مگر آنکه گناهکار بودن آن ثابت شود و در مسائل حقوقی، کسی بدهکار نیست مگر آنکه بدهکاری او ثابت شود (صدر، ۱۴۲۶ق: ۲۹). اصل برائت از بنیادی ترین اصول کلی حاکم بر دادرسی عادلانه و منصفانه در نظام های نویندادرسی کیفری است. احترام به کرامت انسانی افراد و حفظ امنیت و آزادی آنان خصوصاً در فرایند دادرسی کیفری مستلزم رعایت اصل برائت است. در واقع به منظور اجتناب از هرگونه تعرض به حریم مقدس انسانیت و استقرار صلح و امنیت و آزادی در روابط انسانی و اجتماعی افراد است که این اصل در مقررات حقوقی همه ملل مترقی جهان به رسمیت شناخته شده است. به دلیل اهمیتی که این اصل در تضمین دادرسی عادلانه و منصفانه و حفظ حیثیت و آزادی انسانها دارد باید در تمام رویه های قضایی مورد توجه قرار گیرد (جنابزاده و ملاکه، ۱۳۹۵: ۲). یکی از مهمترین الزامات اصل برائت در مسایل حقوقی به برائت کامل و کلا از هرگونه پیشداوری و سو نظر آنها بر می گردد. بنابراین دادن اختیار حق مصونیت دفاعی به و کلا که در بسیاری از کشورها مرسوم است، تضمینی برا اصل برائت در دادرسی است.

### ۱-۶- امنیت قضایی در چارچوب تفکیک قوا

نظریه تفکیک قوا به عنوان یکی از مشهورترین نظریات حقوقی سیاسی دوران معاصر نقش مهمی در تکوین ساختار و روش اداره دولت های ملی داشته است. این نظریه بر اساس برداشت خاصی از انسان و ویژگی های او، قدرت را تعریف نموده و به هر دو (انسان و قدرت) با نگاهی منفی و سرکش می نگرد. لذا محور اصلی تفکیک قوا را بر محدود نمودن حاکمان و سرشکن کردن قدرت در بخش های مختلف حکومت می داند تا از این طریق حقوق و آزادی های مردم تضمین شود (آجرلو، ۱۳۹۵). اساس این نظریه بر این است که هریک از شاخه های قدرت باید وظیفه مشخصی داشته باشد (استار، ۱۳۸۸: ۱۰۱). این نظریه خود را به دو شکل تفکیک نسبی و تفکیک مطلق قوا با دو نوع رژیم حکومتی پارلمانی و ریاستی بروز داده است. حال آنکه با تردید در مبانی فلسفی و انسانشناختی این نظریه به ویژه با رویکرد به مبانی اسلامی و الهی، ضعف درونی آن و ضروری نبودن تبعیت از این نظریه به خوبی نمایان می شود. از همین رو قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با عطف توجه به تقسیم بندی تخصصی امور و از طرفی با عنایت به مبانی الهی قدرت و حاکمیت در قالب جایگاه ولایت فقیه، استقلال قوا را در نسبتی خاص با نهاد ولایت فقیه در نظر گرفته است. لذا باید الگوی استفاده شده از تفکیک قوا در ایران را در چارچوبی متناسب با خود و در فضای کلی حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی و شناخت قرار

داد (آجرلو، ۱۳۹۵). بر اساس نظریه تفکیک قوا وظیفه قوه مقننه وضع قوانین و مقررات، وظیفه قوه مجریه انطباق آنها بر موارد خاص است و قوه قضاییه نیز اعمال مجریه را کنترل کرده و به اختلافات رسیدگی می‌کند (بوشهری، ۱۳۵۵: ۴۶؛ مرادخانی، ۱۳۹۴: ۱۷۰). البته قدمت طرح این بحث در اندیشه و فلسفه سیاسی را می‌توان در آثار ارسطو مشاهده کرد. اما این نظریه با نوشته‌های جان لاک جان گرفت و با بسط این نظریه توسط منتسکیو به یک نظریه برجسته در علم سیاست تبدیل شد و منتسکیو را نیز به عنوان پدر تفکیک قوا مطرح ساخت. نظریه تفکیک قوا یک پدیده و مفهوم مدرن است و اقتضائات خود را دارد (لک‌زایی، ۱۳۸۳: ۲۵). از نظر ماکیاوولی تا حد امکان باید از طریق تعیین حوزه‌های صلاحیت حکومت به کنترل و تحدید قدرت آن پرداخت (ماکیاوولی، ۱۳۷۷: ۵۰). حکما و حقوقدانان از گذشته تا به امروز همواره در فکر یافتن اندیشه‌ای بودند تا از تمرکز فسادانگیز قدرت جلوگیری نمایند و مانع از استبداد در نظام‌های حکومتی گردند. آنها معتقدند برحسب طبیعت، کسی که قدرت را بر عهده می‌گیرد در معرض وسوسه و سوء استفاده قرار دارد و در نتیجه خودسری و هواپرستی حاکم موجب محو آزادی‌های مردم و سقوط جامعه به مسیر مطلقاً فاسد قدرت مطلق شقاوت می‌گردد. پس چون قدرت فاسدکننده است و می‌کند، با تفکیک قدرت میان قوای حکومتی مانعی در برابر فسادخیزی قدرت ایجاد می‌نمایند (لک‌زایی، ۱۳۸۳: ۲۶). آنان معتقدند که در حکومت‌های این چنینی که قدرت مطلق زمامداری در ید اختیار عده‌ای معدود قرار دارد، لزوماً اثری از آزادی‌های فردی باقی نمی‌ماند (راسل، ۱۳۶۷: ۳۳۴). با توجه به آنچه در آرای طراحان اصلی نظریه تفکیک قوا مطرح شده، این اصل خود به خود دارای ارزش ذاتی و مجرد نیست، بلکه وسیله‌ای در خدمت اصول و هدف‌های مهمتر است (قاضی، ۱۳۷۵: ۱۹۴). این مبانی فلسفی در واقع بر برداشتی انسان‌شناختی تکیه دارد که انسان را موجودی منفعل در برابر قدرت و مقهور او می‌بیند که باید از تجمع قدرت در دست او خودداری نمود. از همین رو این مفهوم «تفکیک قوا» در مقابل «وحدت قوا» به کار می‌رود. این تفکیک ماهوی موجب پدیداری سازمان‌های عدیده تخصصی و تفکیک ساختارهای اعمال قدرت می‌گردد که هر کدام به انجام وظیفه خاص خود مشغولند و هیچ یک از آنها حق انجام وظیفه دیگری را ندارد (هاشمی، ۱۳۸۶: ۱۲).

به طور کلی می‌توان به سه تلقی از نظریه تفکیک قوا اشاره کرد: در نخستین برداشت می‌توان از تقسیم کارها و توزیع وظایف میان قوا و نهادهای حکومتی نام برد. در این برداشت صرفاً تسهیل در انجام وظایف، مورد توجه و نظر است و این که کارها به صورت تخصصی اداره شده و سامان یابد. برای این منظور نظام‌های سیاسی به ایجاد سه قوه قانون‌گذاری، قوه اجرایی و قوه داور و دادرسی مبادرت ورزیده‌اند. این هر سه قوه در محدوده قانون اساسی و وظایفی که برای آنان ترسیم شده است به اعمال قدرت می‌پردازند و امور کشور را سامان می‌دهند. در دومین برداشت از تفکیک قوا علاوه بر این که بر تقسیم کارها و توزیع وظایف تأکید می‌شود، به نوعی بر استقلال

قوا از یکدیگر و جلوگیری از تداخل قوا نیز تأکید و اشاره می‌شود و قوا و نهادهای حکومتی ضمن این که وظایف خاصی بر عهده دارند، از دخالت در کار سایر قوا نیز منع می‌شوند و مهمتر این که قانون این اجازه را به قوا نمی‌دهد که در امور یکدیگر دخالت کرده و در نتیجه قوا و نهادهای حکومتی باید از همدیگر مستقل باشند. در سومین برداشت آنچه در نظریه تفکیک قوا اصالت دارد، جلوگیری از تمرکز قدرت در دست یک گروه اندک و یک شخص است. در واقع تفکیک قوا روشی است که از ایجاد قدرت متمرکز در دست یک شخص و یک گروه جلوگیری می‌کند و از این طریق از حقوق و آزادی‌های مردم محافظت می‌نماید. در این جا قوا از همدیگر مستقل فرض می‌شوند تا حقوق شهروندان پاس داشته شود و از تعرض به حقوق آنها جلوگیری شود. این تلقی از تفکیک قوا، برداشت متعارف و مصطلح از تفکیک قوا و به لحاظ زمانی، مقدم بر دیگر برداشتهاست. آنچه با مطالعه بسترها و شرایط تاریخی طرح نظریه تفکیک قوا در اندیشه‌های غربی به دست می‌آید به همین برداشت از تفکیک قوا اشاره دارد (لک‌زایی، ۱۳۸۳: ۲۶؛ عمید زنجانی، ۱۳۷۳: ۱۱۳). همانطور که منتسکیو بیان می‌کند هدف تفکیک قوا جلوگیری از خودکامگی حاکمیت است (منتسکیو، ۱۳۷۰: ۳۹۷). بنابراین تفکیک قوا در بعد کلان به عنوان کنترل کننده قدرت حاکمیت مطرح است و در بعد خرد نیز می‌تواند از آزادی‌های مردم حمایت و حفاظت کند (قاضی، ۱۳۸۳: ۲۹۴). به طور کلی تفکیک قوا بر استقلال درونی یک قوا می‌افزاید و استقلال یک قوا می‌تواند به توانمندی و کارآمدی آن قوه کمک شایانی کند. در بحث تفکیک قوا عناصر هر قوه می‌تواند در تقسیم کار و پذیرش مسئولیت کارهای خود را داشته باشد و در دخالت در امور دیگران پرهیز شود. بر همین اساس تفکیک قوا در ارتباط با مصونیت دفاعی و کیل از چند جنبه تاثیرگذار خواهد بود. در بحث استقلال جایگاه فرد و کیل و عدم دخالت سایرین در نقش او می‌تواند تاثیر داشته باشد. به نحوی می‌توان مصونیت دفاعی و کیل را دقیقاً در راستای تفکیک قوا دانست، چرا که مصونیت دفاعی و کیل چیزی جز داشتن آزادی عمل و استقلال و کلا در دادرسی نیست و مصونیت دفاعی و کلا تکمیل کننده فرایند تفکیک قوا در مراجع قضایی است. مصونیت دفاعی و کیل ضمن دادن اختیارات قانونی بیشتر به و کلا از تمرکز قدرت در دست قضات هم جلوگیری کرده و از این طریق از حقوق و آزادی‌های مردم محافظت می‌شود و اصل تفکیک قوا هم ناظر به چنین سیاستی است که در آن قوای سه گانه به ویژه قوه قضاییه به گونه‌ای بسیار قانونمند به کنترل و نظارت همدیگر مبادرت ورزیده تا حقوق شهروندان پاس داشته و از استبداد و ظلم و از تعرض به حقوق آنها جلوگیری شود.

### ۱-۶-۱- عدالت‌ورزی کانت

بحث از عدالت همواره یکی از مباحث مهم و پرمناقشه در آموزه‌های متفکران سیاسی به ویژه در دوره معاصر محسوب می‌شود. در واقع در سایه عدالت است که می‌توان شاهد رشد و بالندگی جوامع بشری بود. البته انعکاس مفهوم عدالت در اندیشه متفکران علم سیاست مسبوق به سابقه است. ارسطو در رساله سیاست از اخلاق نیکوماخوس سخن گفته است (حیبی‌کندر و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۵). عدالت ورزی از نظری کانت یکی از مفاهیم کلیدی است. کانت عدالت را امر طبیعی و دارای قوانین ابدی و تغییرناپذیر و قابل‌شناخت توسط عقل می‌داند (کانت<sup>۱</sup>، ۱۹۱۷: ۱۸۸). در نظریه عدالت کانت بر آن است که راه حلی برای صیانت از آزادی مدنی و فردی افراد و به حداکثر رساندن آن از یک سو و مهار و کنترل قانونمند آن از سوی دیگر بیابد. در واقع اصول عدالت او ترسیم‌کننده یک «وضعیت» است؛ وضعیتی که آزادی بیرونی افراد به طور درست و قانونی اعمال می‌شود. او به تبع متفکرانی نظیر هابز و لاک این وضعیت مطلوب را در مقابل «وضع طبیعی» می‌نشانند. در وضعیت عدالت برخلاف وضعیت طبیعی، حقوق و آزادی‌های فردی تضمین می‌شود. وضع طبیعی مورد نظر هابز امری فرضی است، زیرا آن را به وضعیتی تعریف می‌کند که همه انسان‌ها در جنگ و خشونت علیه یکدیگر به سر می‌برند؛ اما از نظر کانت، وضع طبیعی امری واقعی است، زیرا از نگاه او هر جامعه‌ای که فاقد معیاری بی‌طرف برای دفاع از حقوق و آزادی‌های فردی و به حداکثر رساندن آنها باشد جامعه‌ای ناعادلانه است و در وضع طبیعی به سر می‌برد. کانت این معیار بی‌طرف را در وجود سیستمی قانونی جست و جو می‌کند؛ مجموعه‌ای از قوانین لازم است که در عین فراهم آوردن امکان برخورداری افراد از آزادی‌های فردی، آنها را در چارچوبی قانونی مهار کند تا اعمال اراده آزاد هر فرد مانع حقوق و آزادی دیگران نشود (واعظی، ۱۳۸۴: ۹۹). کانت در نظریه عدالت می‌گوید، اظهار نظر درباره اخلاق توسط من استعلایی است.<sup>۲</sup> من استعلایی کسی است که هیچ تصویری از خیر ندارد، ولی هیچ تصویری از خیر و غایت مبنای داوری و حکم کردن نیست. فرد استعلایی حکم خرد ناب (عقل محض) را دارند؛ یعنی کسی که فقط به ندای وجدان گوش می‌دهد. در کانت طبق اصول اخلاقی کانت، انسان‌ها همه غایت هستند و همه به یک چشم انگاشته می‌شوند (مهری و دیرباز، ۱۳۸۹: ۶۸). همچنین کانت می‌گوید که عدالت باید هم در درون هر دولت و هم در روابط بین دولت‌ها همین شیوه سرلوحه عمل قرار بگیرد (براتعلی‌پور، ۱۳۹۴: ۵۳). به عقیده کانت، عمل بر پایه حق، عمل بر پایه امر مطلق الزام‌آور می‌کند. تنها زمانی می‌توان به نتیجه اندیشید که خود نتیجه، مانند صلح پایدار، وظیفه‌ای باشد که از اصول حق، یعنی از امر مطلق

<sup>۱</sup> Kant

<sup>۲</sup> Transcendental Ego

برآمده باشد. به گفته او پیش از هر چیز به دنبال قلمرو عقل عملی محض و عمل درست بر پایه آن باش و هدف کوشش تو، آن موهبت صلح پایدار، خود بر تو خواهد آمد (کانت، ۱۹۱۷: ۱۸۸). به طور کلی کانت در چارچوب تفکر لیبرالیسم کلاسیک، عدالت را در تحقق آزادی بیرونی مشروع خلاصه می‌کند. اصول عدالت از نگاه وی مجموعه‌ای از قوانین اساسی است که در عین به حداکثر رساندن آزادی‌های سیاسی و مدنی، آنها را قانونمند و کنترل می‌کند. اصول عدالت باید به نحوی از امر مطلق و قوانین بنیادین حکمت عملی که حکم عقل محض است استنتاج شده باشند و چون امر مطلق و اصول اخلاقی و عملی بنیادین، مطلق و ضروری و استثنای ناپذیرند اصول عدالت نیز قوانینی مطلق و ضروری خواهند بود (واعظی، ۱۳۸۲؛ واعظی، ۱۳۸۴: ۹۲).

بنابراین برای خلاصه کردن نظریه عدالت کانت را در یک جمله، باید آن را معطوف به ایده آزادی فردی دانست؛ اصول عدالت او با هدف دفاع و حفظ آزادی فردی ارائه شده است. این اصول که مدافع آزادی هستند و افراد را از دخالت در آزادی‌های مشروع و قانونی یکدیگر منع می‌کنند و این همه کاری است که این اصول بر عهده می‌گیرند. بنابراین محتوای نظریه عدالت کانت به هیچ رو راهکاری برای رفع نیازها یا تعدیل نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی نیست، اما در حوزه‌های حقوقی داشتن آزادی راه حلی برای صیانت از آزادی مدنی و فردی افراد و به حداکثر رساندن آن از یک سو و مهار و کنترل قانونمند آن از سوی دیگر است. بر همین اساس داشتن صیانت دفاعی و کیل در نظام حقوقی راهبردی برای برای صیانت از آزادی مدنی و حقوقی است.

### ۱-۶-۲- عدالت ورزی راولز

یکی از بارزترین حوزه‌های انعکاس مفهوم عدالت در اندیشه سیاسی مغرب زمین، جان راولز بوده است. در نگاه او عدالت ساخته دست بشر است و انسان آن را می‌آفریند. راولز عدالت خویش را بر دو پایه مهم؛ اصل آزادی و اصل تمایز قرار می‌دهد. اصل اول از آزادی‌های برابر و فرصت‌های برابر دفاع می‌کند و اصل دوم ناظر بر این است که در چه وضعی می‌توان گفت نابرابری عادلانه است (حبیبی کندسر و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۵). راولز آموزه خود را عدالت به مثابه انصاف می‌نامد. در نگاه راولز، مفهوم سیاسی عدالت از دیدگاه‌های فراگیر دینی، فلسفی و اخلاقی مستقل بوده و در یک جامعه دموکراتیک، شرایط را برای دستیابی به اجماع همپوشان فراهم می‌کند، زیرا شهروندان معقول در چهارچوب خرد همگانی بر این مفهوم از عدالت توافق می‌کنند. در این فرض، با شهروندانی آزاد و برابر روبرو خواهیم شد که چه بسا حتی با اتکا بر دیدگاه‌های خاص و غیر سیاسی خود و با راهیابی آنها به قلمرو معقولیت به مفهوم سیاسی عدالت نایل می‌شوند (براتعلی پور، ۱۳۹۴: ۵۳). راولز می‌گوید،

درک و برداشت او از عدالت فارغ از ادعاهایی درباره سرشت ذاتی اشخاص و هویت آن‌ها است (راولز<sup>۱</sup>، ۱۹۸۵: ۲۲۳). راولز هدف خود را ارایه یک تئوری عدالت می‌داند که بتواند جایگزینی ماندنی و مناسب برای تئوری‌های سیاسی باشد که مدت زمانی طولانی، تئوری مسلط در فلسفه سنتی بوده‌اند. از نظریه عدالت راولز چنین برمی‌آید که وی برای طرح نظریه عدالت، اهدافی را برای جامعه دموکراتیک و نیز طرح نظریه بین نسلی دنبال می‌کردند که از اهم اهداف آن می‌توان به جامعه به سامان و ساختارهای اساسی جامعه بر اساس موضوع موضوع عدالت و همچنین عقلانیت، قضاوت بی‌طرفانه، تنظیم نهادهای اجتماعی عادلانه برای رسیدن به جامعه عادلانه، برابری منصفانه فرصت‌ها و برابری دموکراتیک اشاره کرد (حیبی‌کندر و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۶). از نظر راولز اگر عدالت فضیلت اول در جامعه شود، سیاست اجتماعی به مرجعیتی بیش از توافق دادن موفقیت آمیز افراد با هم نیاز ندارد. این افراد خود را وارث سنت‌های تاریخی یکسان و مواجه با مسایل و مشکلات یکسان می‌یابند. این جامعه مشوق «پایان دادن به ایدئولوژی» و مایل به برگزیدن «تعادل انعکاسی» به عنوان یگانه شیوه مورد نیاز در بحث از سیاست اجتماعی خواهد بود. وقتی چنین جامعه‌ای به تأمل و ژرف‌اندیشی می‌پردازد و اصول و شهودات را جمع آوری می‌کند تا آن‌ها را به تعادل برساند، به این سمت سوق پیدا خواهد کرد که اصول و شهوداتی را که از گزارش‌های فلسفی از خود یا عقلانیت برگرفته شده‌اند، دور بریزد؛ زیرا جامعه چنین گزارش‌هایی را، نه به دیده بنیان‌های نهادهای سیاسی و مربوط به سیاست اجتماعی، بلکه به دیده‌ی مهملات فلسفی یا اموری مربوط به جست‌وجوی شخصی کمال خواهد دید. به گفته راولز در مقام مسأله سیاسی عملی هیچ درک و برداشت عام اخلاقی نمی‌تواند بنیان و پایه‌ای برای درک و برداشت عمومی از عدالت در یک جامعه‌ی مدرن دموکراتیک فراهم آورد. شرایط تاریخی و اجتماعی چنین جامعه‌ای ریشه در جنگ‌های مذهبی دارد که به دنبال اصلاح دینی و نیز در تکوین اصل تساهل و تسامح و در جریان رشد حکومت مشروطه قانونی و نهادهای اقتصاد بازار بزرگ رخ داد. این شرایط عمیقاً بر اقتضانات درک و برداشتی عملی از عدالت سیاسی تاثیر گذاشته‌اند: چنین درک و برداشتی بایستی امکان تنوع آموزه‌ها و تکثر درک و برداشت‌های متضاد و در واقع توافق ناپذیر از خیر را که مورد تأیید اعضای جوامع دموکراتیک موجود است، فراهم آورد (راولز<sup>۲</sup>، ۱۹۸۵: ۲۲۵؛ براتعلی‌پور، ۱۳۹۴: ۵۳). مخالفت راولز با اندیشه سیاسی مارکسیسم و آموزه‌های نفع‌گرایانه، پایه و اساس اندیشه عدالت اجتماعی و حقوق فردی را بنیان نهاد. چرا که بر مبنای آموزه‌های قبلی حقوق اقلیت‌ها و گروه‌های ضعیف به دست اصحاب قدرت و ثروت تحت تاثیر نوع اکثریت به فراموشی سپرده می‌شد. راولز همواره تداعی کننده قرابت بین عدالت و آزادی

<sup>۱</sup> Rawls<sup>۲</sup> Rawls

است (لنصف، ۱۳۸۵: ۲۹۵؛ حبیبی کندسر و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۷). بنابراین جان مایه اندیشه راولز در نظریه عدالت، دارای چهار عنصر کلیدی شهودگرایی اخلاقی، آزمایش ذهنی، وضعیت اصلی و آزادی است. نظریه عدالت او انعکاس دیدگاه او در باره عدالت به مثابه انصاف و عدالت سیاسی است که در آن از عدالت به مثابه انصاف، آزادی قانونی، مفهوم عدالت توزیعی بحث شده است. بر همین مبنا انصاف و عدالت در روندهای قضایی همان عدالتی است که همه عناصر قضا باید از آن برخوردار باشند. مصونیت داشتن قاضی و مصونیت نداشتن وکیل نوعی بی‌عدالتی است که بر اساس اندیشه راولز تحت انتقاداتی قرار می‌گیرد. بر همین اساس مصونیت دفاعی وکیل با اندیشه راولز در نظریه عدالت تبیین می‌شود.

### ۱-۷- آزادی عمل کنشگر

همانطور که در رویکردهای نظری متعددی که هم در جامعه‌شناسی و هم در حقوق به کرات بر آنها تأکید شده، آزادی عمل کنشگر از اصلی‌ترین مصادیق مصونیت دفاعی و کلا در فرایند دادرسی است. بر اساس آرای پوپر، برلین و سارتر حوزه آزادی که مستقیماً این مفهوم را مورد واکاوی قرار داده‌اند، آزادی کنشگر به افزایش حوزه اختیار او منجر می‌شود و در رویه‌های قضایی آزادی و کلا در فرایند دفاع به مثابه مصونیت دفاعی او می‌باشد. بر همین اساس بخشی از آزادی در داشتن اراده و اختیار خلاصه می‌شود و مصونیت دفاعی و کلا همان افزایش اختیارات قانونی او می‌شود. در ادامه آرای این سه اندیشمند و ارتباط آزادی مورد نظر آنها با مساله مصونیت دفاعی وکیل بررسی و تحلیل شده است.

#### ۱-۷-۱- آزادی عمل کنشگر از نظر پوپر

پوپر در کتاب «جامعه باز و دشمنان آن» مبانی فلسفی توتالیتاریسم و فاشیسم و علل گرایش توده‌ای را توضیح می‌دهد و مهمترین علت روان‌شناختی و جامعه‌شناختی توتالیتاریسم در گریز توده‌ها از وحشت آزادی و مسئولیت ناخواسته و تمنای آنان برای امنیت می‌داند. پس از خروج انسان از جامعه سنتی اقتدار طلب و بسته<sup>۱</sup> و آغاز سنت انتقادی، شرایط و نیازهای جدیدی رخ نمود که اضطراب و تنش‌های عمیقی در انسان به وجود آورد. در جامعه مدرن سنت و سلسله مراتب و دین به منزله پشتیبانان امنیت فردی فرو می‌ریزند، امکان نقد و بررسی و انتخاب راه‌های گوناگون و بی سابقه زندگی فراهم می‌شود. جامعه بر اثر فشارهای تمدن به گسیختگی تمایل می‌یابد و فرد

<sup>۱</sup> Closed Society



و جامعه از آزاد اندیشی<sup>۱</sup> به جزم‌اندیشی<sup>۲</sup> و از آزادی به امنیت پناه می‌برند. ریشه‌گرایی به جامعه‌ی بسته، که از دیرباز در مقابل گرایش تمدن به آزادی و انتقاد پدید آمد، همین است؛ تمنای مدینه فاضله امن و امان، تمنای جامعه‌ای بسته و دور از دسترس آزادی فکر و انتقاد واپس‌گرایی و آرمان‌گرایی، یعنی گریز به دامان امن سنت‌های گذشته و جست و جوی مدینه فاضله در آینده، هر دو از یک جنس هستند؛ و هر دو برای ریشه کن کردن اندیشه آزاد به خشونت متوسل می‌شوند. هر دو ضد دگرگونی و خواهان جامعه‌ای ایستا هستند. هر دو به توتالیتراریسم (راست و چپ) می‌انجامند که مظهر عملی یکی فاشیسم و دیگری کمونیسم است. به نظر پوپر برخی از فرزانه‌ترین و باهوش‌ترین فلاسفه با انگیزه‌های انسانی و با حسن نیت، یعنی برای اصلاح جامعه بشری، طراحان اصلی جامعه بسته و دشمن جامعه‌ی باز و آزادی و انتقاد و دگرگونی بوده‌اند (بشیریه، ۱۳۹۱: ۳۱۳). بنابراین اگر بتوان از دوگانه جامعه باز-جامعه بسته پوپر استفاده کرد، که در آن، ویژگی ممتاز جامعه باز آن است که آگاهی و آزادی‌های سیاسی از ارکان آن هستند و دولت پاسخگو است و جامعه بسته که در آن، فردیت انسان‌ها با دستاویز مفاهیمی همچون وحدت ملی نادیده گرفته می‌شود و دولت نیازی به شفافیت نمی‌بیند، در حوزه حقوقی نیز باید وضعیت عدم مصونیت دفاعی و کیل را همخوان با یک «جامعه بسته» دانست در چنین جامعه‌ای حتی قانون و حقوق اساسی نیز نه برای حمایت از اعضای جامعه خود محدود هستند و این محدودیت به عنوان دستاویزی برای محدود کردن رفتار شهروندان و بالا بردن تمامیت‌خواهی مجریان قانون استفاده می‌شود.

### ۱-۷-۲- آیزیا برلین

مهمترین بحث برلین در نظریه سیاسی به مفهوم آزادی مربوط است و او دو مفهوم آزادی منفی و آزادی مثبت را مطرح می‌کند. بر طبق تعریف برلین، آزادی منفی (یا آزادی از)، به معنای تحمیل نکردن مانع و محدودیت از طرف دیگران است و آزادی مثبت (یا آزادی برای)، از سویی به معنای توان تعقیب و رسیدن به هدف و از سوی دیگر به معنای استقلال یا خودفرمانی در مقابل وابستگی به دیگران است (مشکات و فاضلی، ۱۳۹۳: ۱۰۵). برلین آزادی منفی را به مکتب سنتی لیبرالیسم مربوط می‌داند که از قرن هفدهم تا قرن نوزدهم در بریتانیا و فرانسه پدید آمد. اما آزادی مثبت از نگاه او، هم مفهومی مبهم است و هم دستخوش تحریف شده‌است. در این رابطه او معتقد است دستیابی به استقلال از راه ترک خواست‌هایی که دیگران را بر بشر مسلط می‌کند، ممکن است کاری خوب باشد و در بعضی اوقات بهترین چاره، اما در واقع از آزادی انسان می‌کاهد و محدودیت‌هایی درونی و بیرونی پدید

<sup>۱</sup> Free Thinking

<sup>۲</sup> Dogmatism

می‌آورد که در نهایت با آزادی فرد در تعارض هستند (برلین، ۱۳۸۶: ۳۰). این درک از آزادی با فهم برلین از سرشت انسان، به مثابه موجودی خودمختار که می‌تواند غایت خود را برگزیند، هماهنگی دارد. همچنین چون، طبق استدلال برلین، جهان اخلاق ذاتاً متکثر است، انسان باید در آن میان ارزش‌های سازش‌ناپذیر دست به‌گزینه‌بزند. بنابراین مفهوم وحدت اصول و ارزش‌های غایی در فلسفه سیاسی (که پشتوانه مفهوم آزادی مثبت است) فرومی‌ریزد؛ بدین سان، آزادی انتخاب ضرورتی اخلاقی است که از سرشت انسان و وضع او در جهان برمی‌خیزد. بنابراین آزادی منفی عبارت از اعمال خودمختاری و توانایی انتخاب، بدون مداخله عوامل بیرونی است. بنابراین جوهر اندیشه برلین مفهوم آزادی انتخاب فردی است. با این حال حق انتخاب فرد مطلق نیست، زیرا در این صورت به حق انتخاب دیگران تعرض می‌شود؛ بنابراین حق انتخاب فرد محدودیت‌هایی پیدا می‌کند. این محدودیت‌ها به موجب ارزش‌های اخلاقی هر جامعه و نیز به اقتضای ضرورت رعایت سایر غایات بشری، به ویژه عدالت و برابری، ایجاد می‌شود. چون آزادی با سایر ارزش‌های ما تعارض دارد، باید آن را در مواردی محدود کرد تا به سایر آرمان‌ها آسیب اساسی نرسد. اما به نظر برلین به هر حال باید همواره و به هر قیمتی حوزه حداقلی از آزادی انتخاب مطلق و نقض‌ناشدنی برای فرد باقی‌بماند، زیرا در غیر این صورت ماهیت انسان به منزله موجودی خودمختار نقض می‌شود، همواره باید بخشی از هستی انسان از حوزه نظارت اجتماعی آزاد و مستقل بماند (بشیریه، ۱۳۹۲: ۱۱۰). این تلقی از آزادی در جامعه بسیار دامنه وسیعی پیدا می‌کند و اثر آن در تمام بخش‌ها را می‌توان دید. در حوزه‌های قضایی نیز آزادی به معنای خود مختاری و کیل و عمل بر حسب مقتضیات می‌تواند زمینه را برای دفاع آزادانه از وکلا را داشته باشد. این نوع آزادی برای وکلا می‌تواند مصونیت دفاعی را به دنبال داشته باشد؛ چرا که حق مشارکت در قدرت قضایی را بر وکلا با قدرت بیشتری فراهم می‌کند.

### ۱-۷-۳- ژان پل سارتر

آزادی از مهم‌ترین ارزش‌های انسانی است که همواره مورد بحث و مناقشه اندیشمندان بوده است. سارتر آزادی هم ارزشمند و هم مسئولیت‌آور می‌داند. از نظر ژان پل سارتر، آزادی تنها ارزش انسانی و کمال ذاتی انسان است که با وجود خداوند و وجود ارزش‌های دیگر در تضاد است. چنین نگرشی به آزادی انسان را از حقیقت خویش و مبدأ و معاد جدا و او را، بدون اتکا به هیچ اصل و قانونی، همه‌کاره خود معرفی می‌کند. با وجود تعاریف زیاد سارتر از آزادی او می‌نویسد من نمی‌توانم ماهیتی برای آزادی تصور کنم. شاید مراد او این باشد، که حقیقت آزادی و تعریف ماهوی و بیان ذاتیات آن برای ما ممکن نیست و تعاریف ارایه شده تعاریف اسمی و بیان عوارض آن است (قمی و کتابی، ۱۳۹۵: ۱۵۷). سارتر در دوران ورشکستگی تمدن غرب از نظر اخلاقی، یعنی پس از

جنگ جهانی اول و دوم، بر اهمیت آزادی انسان و مسئولیت اخلاقی اصرار می‌ورزید. او تحت تأثیر هوسرل، باور دارد که آگاهی، همواره از چیزی بر بنیاد جهان است. همچنین وضعیت جهان را در طرحی آزادانه تعریف می‌کند و باور دارد که انسان همیشه در وضعیت قرار دارد و جهان را به شکلی می‌فهمد که با طرح‌ها و هدف‌های آزادانه‌اش مرتبط باشد. مفهوم وضعیت، در پیوند با مفهوم واقع‌بودگی درک می‌شود. او مفهوم واقع‌بودگی را از هستی و زمان هایدگر آموخت؛ با این نوآوری که آن را به آزادی انسان پیوند زد. بر این اساس، اگرچه انسان به جهان پرتاب می‌شود و نقشی در زمان و مکان و وضع تولد خویش ندارد و در وضعیتی اجتماعی و فرهنگی خود را باز می‌یابد؛ اما ممکن است دو شخص در وضعیتی هماهنگ به جهان پرتاب شوند و راه‌هایی متفاوت برگزینند (احمدی، ۱۳۹۷: ۱۷۳). اما سارتر مدعی است که آنچه انسانیت ما را تعریف می‌کند، توانایی ما موجودات مختار برای انتخاب آزادانه است. به نظر او نکته مهم، به وجود آمدن ارزش‌های اخلاقی از طریق اعمال و گزینش‌های ما در جهان است و انسان موجودی وانهاده است که عوامل تاریخی، محیطی و عاطفی، نمی‌توانند آزادی‌اش را سلب کنند؛ زیرا انسان محکوم به آزادی است (سارتر، ۱۳۹۹: ۱۴۲). این آزادی مورد نظر سارتر در رویه‌های قضایی بسیار ایده‌آلی می‌شود و نه تنها به کمک روندهای دادرسی می‌آید، حتی در موارد زیادی هم به کمک مجرمان و متهمان نیز می‌آید. حال بر این اساس برای وکلا این بدیهی می‌رسد که مصونیت دفاعی به عنوان آزادی عمل را داشته باشند.

## ۲- رویکردهای حقوقی مصونیت دفاعی و کیل

عدالت آن است که حق هر صاحب حق را به او بدهند (موحد، ۱۳۸۱: ۸۸). در مقدمه قانون اساسی و در بخش جایگاه قضا در قانون اساسی آمده است که مسئله قضا در رابطه با پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی به منظور پیشگیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی امری است حیاتی. در بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی تامین حقوق همه جانبه افراد اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون از وظایف دولت جمهوری اسلامی بیان شده است. در این بخش رویکردهای حقوقی مصونیت دفاعی و کیل ارایه شده‌اند.

## ۲-۱- تحقق اصل عزتمندی و کرامت انسانی در وکیل

کرامت ذاتی به آن نوع شرافت و حیثیتی گفته می‌شود که تمام انسان‌ها به جهت استقلال، توانایی، تعقل و تفکر دارند و کرامت اکتسابی آن نوع شرافتی است که انسان‌ها به طور ارادی و از طریق به کار انداختن استعداد‌های خود در مسیر رشد و کمال بدست می‌آورند (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۳۰). با تحقق اصل مصونیت دفاعی و قبول این

اصل از سوی فعالان عدالت کیفری خصوصاً قضات و ضابطین دادگستری در عرصه فعالیت قضایی، حضور و کیل و نهاد وکالت در این عرصه به نحو گسترده خودنمایی می‌کند، همانطور که زیبایی و تمیزی جسم و روح و پوشش زیبا به وقار شخصی می‌افزاید و افراد را در هیئت یک انسان موجه نمایان می‌سازد. ارزش یافتن و بها گرفتن و کیل و نهاد دفاع در پناه این اصل در نزد مقامات رسمی و حکومتی خاص به اعتبار و اعتماد به نفس و کیل و این که این امر در وجود وی نقش میندازد در نزد عموم مردم و خصوصاً حکومتیان با اعتبار و عزیز است و باعث تحقق اصل عزتمندی و ارزش یافتن وی میگردد. این ارزش افزایی باعث تحقق کرامت و کیل و حرفه وکالت در حوزه عدالت کیفری می‌گردد بر همین مبنا ماده ۵ قانون آیین دادرسی کیفری حق دسترسی به وکیل جهت امر دفاع از موکل و تضمین سایر حقوق دفاعی مراجعه به دادگستری را به رسمیت شناخته است. در ماده ۶ قانون مذکور به ساز و کارهای رعایت و تضمین حقوق دفاعی وکیل اشاره شده است و در ماده ۷ قانون پیشگفت به عنوان تضمین اصل عزتمندی در نظام دادرسی کیفری رعایت حقوق شهروندی افرادی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند مورد تاکید و پشتیبانی قانون قرار گرفته است. بند ۳ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی به مراجع قضایی تکلیف نموده است که حق دفاع اصحاب دعوی را رعایت نموده و فرصت بهره‌مندی از وکیل را برای آنان فراهم آورند. تاکید به حضور وکیل دادگستری و نهاد وکالت در نظام دادرسی کیفری به عنوان پنجمین و ششمین و هفتمین اصل از اصول دادرسی کیفری به دو مولفه اخلاقی و مذهبی یعنی اصل کرامت انسانی و اصل عزتمندی در نظام دادرسی در سمت وکیل و حقوق دفاعی متولیان دفاع اشاره دارد.

## ۲-۲- تلاش در احقاق حق بدون دغدغه از تعقیب

وزانت اصل مصونیت دفاعی همسنگ اقتدار مصونیت قضایی است. یکی از آثار مهم مصونیت قضایی استقلال قضات در صدور آراء و عدم تبعیت قضایی از سایر اشخاص اعم از رسمی یا غیررسمی است، به نحوی که نه تنها هیچ قاضی را به علت استقلال در صدور رای مورد تعقیب کیفری و انتظامی قرار نمی‌دهند، بلکه یکی از تکالیف مقامات قضایی استقلال در تصمیم‌گیری آنها در اعمال قدرت قضایی است و وارونه این امر، توصیه‌پذیری و مغلوب نفوذ و نظر دیگران قرار گرفتن آنها را درمضان تعقیب کیفری و انتظامی و مسوولیت مدنی سنگین قرار می‌دهد. در سوی دیگر فرآیند یک دعوی، مصونیت دفاعی وکیل و متولیان نهاد وکالت قرار گرفته است، بخشی از اصل مصونیت دفاعی مبین استقلال وکیل در حقوق دفاعی و نحوه و شیوه دفاع است. بدین نحو که استدلال دفاعی وکیل و فهم و استنباط از نصوص قانونی می‌تواند متفاوت و مجزا از فهم و استنباط مقامات قضایی باشد و چه بسا دو استنباط متفاوت و متضاد راجع به امری از قانون پدید آید که این تفاوت در استنباطها می‌تواند رویه

ساز باشد. حال این رویه ممکن است به شیوه غیر الزام آور و یا به شیوه الزام آور غیرمستقیم باشد. این فهم متفاوت را هرچه نام نهیم مبین استقلال نظر و استنباط دفاعی است. وارونه این امر هم ممکن است اتفاق بیفتد و مقام قضایی استنباط و فهم و کیل را با عقیده خود یکسان بداند و تبلور هر دو اندیشه را در هیئت رای دادگاه قرار دهد. این استقلال عقیده دفاعی می‌تواند به عنوان یک چراغ روشن، فرایند مبهم و پیچیده و تاریک دعوی کیفری را روشنایی ببخشد و در امر فصل خصومت، کشف واقع و یقین قضایی و تضمین اصول بنیادین دادرسی از جمله براءت و احقاق حق واجد تاثیر اساسی باشد. از نگاه دیگر با استقرار اصل مصونیت دفاعی استقلال عقیده نهاد دفاع و متولیان آن، از تعقیب قضایی و تبعیت استنباطی آنان از فهم و استنباط مقامات قضایی در امنیت قرار می‌گیرد، به نحوی که هر کدام از این کنشگران عرصه عدالت کیفری با فهم و درک خود از نصوص کیفری به دنبال تحقق عدالت هستند و استنباط متفاوت آنان از نصوص، مسئولیت کیفری برای آنها ایجاد نمی‌نماید. همین عدم امکان تعقیب کیفری استنباط دفاعی، به عنوان شاخص ترین ثمره اصل مصونیت دفاعی باعث تضمین استقلال و کیل و نهاد و کالت در عرصه حقوقی و قضایی کشور است.

### ۲-۳- تضمین حمایت از حقوق اصحاب دعوی

با توجه به مقررات قانونی کشور مرجع تظلمات و رسیدگی به دعاوی اشخاص و احقاق حق و عدالت گستره ظاهری در جامعه قوه قضاییه است. مراجعه کنندگان به این قوه در چند هیئت به مرجع قضایی ورود نموده و یا مدعی حقی بوده و یا در قبال ادعایی، مبادرت به پاسخگویی می‌نمایند. شاکی و مشتکی عنه و متهم و خواهان و خواننده (مدعی و مدعی علیه) از ارکان اساسی یک دعوی است که اساس دعاوی و بنیادین دادرسی‌های کیفری و مدنی عمدتاً در خصوص این افراد است. گستردگی جوامع، پیچیدگی دعاوی، مشکلات اقتصادی و... باعث می‌شود که افراد در برخی مواقع نتوانند در جهت اقامه دعوی یا دفاع و پاسخ در خصوص دعوی طرح شده علیه آنان در مراجع قضایی حاضر شوند. در جهت رفع این امر، تعیین و کیل دادگستری به عنوان راهکار قانونی در قانون اساسی و قانون آیین دادرسی کیفری و قانون آیین دادرسی مدنی و سایر قوانین خاص پیش بینی شده است. وکیل مدافع با تمسک به عناصر علمی، عملی و وجدانی در جهت تضمین حق ادعا و تضمین حق پاسخ گام بر می‌دارد. حضور وکیل در طرح ادعا یا اقدام به پاسخگویی، علاوه بر دقت و سرعت در انجام رفتارهای قضایی و نیل به نتیجه نهایی، از طرح دعاوی متعدد مختلف و متشتت جلوگیری می‌نماید.

### ۲-۴- تضمین افزایش اقتدار قضایی کشور

با توجه به اینکه عمدتاً نهاد وکالت از ساختار دولت‌ها جدا و یک مجموعه مجزا با شخصیت حقوقی مستقل از حکومت و نظام قضایی است و تشکیلات و ساختار متفاوت در قانون برای این نظام دفاعی پیش بینی شده است، در

موقعی که به هر علتی اعتماد جامعه به نظام قضایی مورد خدشه و آسیب قرار گیرد، حضور و فعالیت و کلاهی دادگستری در همین حالت و وصف، باز انتشار دهنده این پیام به سطح جامعه است که به نظام قضایی با همین حد اندک از اعتماد می‌توان دل بست، و کورسویی از امید و بهبودی در مجموعه مخدوش هنوز وجود دارد. این امر در حد ضعف و کم کاری نظام قضایی کشور قرار دارد. از سوی دیگر اگر نظام قضایی کشور، حضور و کلاهی مدافع و متولیان نهاد دفاع را به نحوه قانونی و با رعایت تضمینات قانونی مورد پذیرش قرار دهد، به طور حتم در ارزیابی‌های داخلی و مقبولیت و اقتدار ملی، سطح گسترده‌ای از اعتماد به نظام قضایی پدید می‌آید. این امر باعث حد نهایی اعتماد به نظام قضایی گردیده و ملاً در تحقق فرایند امنیت حقوقی، شهروندی، آزادی بیان و نقد واجد اثر اساسی است. در قانون آیین دادرسی کیفری این امر مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است، به نحوی که در مواد ۴۸، ۱۹۰، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۵۰ و ۳۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری به حضور و کیل در دعاوی مربوطه اشاره شده است. این حضور در دعاوی در قالب و هیات وکالت اتفاقی، انتخابی، معاضدتی و یا تسخیری (اجباری) است. همین حضور متعدد نهاد وکالت وفق قانون مربوطه موید، تاثیر داشتن حضور و کیل در افزایش اعتماد عمومی و در نتیجه افزایش اقتدار قضایی کشور است به نحوی که این امر که رسیدگی قضایی پشت درهای بسته و به صورت مخفی و با حضور عناصر قدرت صورت می‌گیرد با حضور نهاد وکالت به مرحله عدم باور منتهی می‌شود.

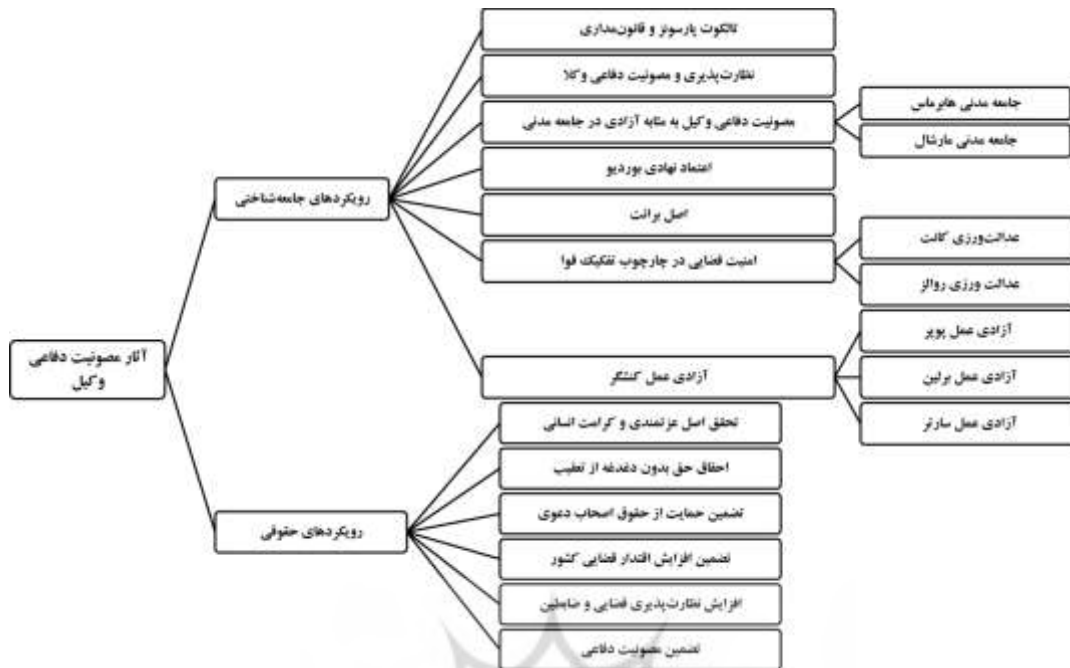
## ۲-۵- افزایش نظارت پذیری قضایی و ضابطین

یکی از آثار اصل مصونیت دفاعی تحقق امر نظارت و کنترل دفاعی نهاد دفاع بر تصمیمات قضایی است. اصولاً فرایندهای نظارتی بر مراجع قضایی، مشتمل بر نظارت کیفری، نظارت مدنی و نظارت انتظامی است. علاوه بر این موارد سه گانه نظارتی، نظارت و کنترل تصمیمات قضایی مشتمل بر آراء و دستورات قضایی از طریق فرایندهای نظارت و کنترل عادی (واخواهی، تجدید نظر خواهی و فرجام خواهی) و نظارت و کنترل فوق العاده (اعاده دادرسی عام و خاص) که بعد از قطعیت رای اعمال می‌شود (پورقهرمانی، ۱۳۸۶: ۱۳) صورت می‌پذیرد. نظارت‌های شش گانه کیفری، مدنی، انتظامی و نظارت بر تصمیمات مرحله تحقیقات مقدماتی و نظارت و کنترل بر تصمیمات دادگاه‌ها و نیز فرآیند پایش اجرای قوانین در مرحله اجرایی آراء و تصمیمات قضایی به عنوان ابزارهای کنترل قوه قضاییه از سوی نهاد دفاع است. این نظارت باعث انتقال فرایند تصمیم گیری از مرحله پایین تر به مرحله بالاتر و تحلیل و تجزیه تصمیم مورد اعتراض در نهاد عالی قضایی می‌گردد. اقدام کنترلی توسط متصدیان سنجش و پایش قضایی در مرحله بالاتر، باعث تحقق امنیت قضایی و امنیت دفاعی به نحو توأمان شده و زمینه اعتماد به هر دو مرجع را پدید می‌آورد. همچنین طبق ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری ضابطان دادگستری مامورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقامات قضایی وظایف خاصی که در این ماده و سایر مقررات قانونی احصاء شده

است را انجام می‌دهند. به لحاظ اینکه انجام اقدامات و تحقیقات و اجرای دستورات قضایی توسط ضابطان عام و خاص صورت می‌پذیرد، گستردگی فعالیت این مأموران در حوزه قضایی بسیار چشمگیر است. به لحاظ همین گستردگی حضور آنها در فعالیت‌های قضایی\_اجرایی، اهمیت نظارت بر عملکرد و رفتار آنها در مقام ضابط، امری مهم بوده و این نظارت علاوه بر صیانت از آنها باعث، حفظ حقوق اصحاب دعوی و افزایش اعتماد به قوه قضائیه می‌گردد. نظارت بر ضابطان علاوه بر نظارت کیفری، انتظامی (داخلی) و مدنی، شامل نظارت خاص مقامات قضایی نیز می‌گردد. در مواد ۲۸، ۳۲، ۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری به امر نظارت دادستان و سایر مقامات قضایی از حیث وظایف ضابط بودن آنها اشاره شده است.

### ۳-۶- تضمین مصونیت دفاعی

قانونگذار برای تحقق اراده و اندیشه به نظم آورده شده خود که آن را قانون می‌نامند، در غالب اوقات احکامی را وضع می‌نماید، و به نحوی از مقرر قانونی تدوین شده خود حمایت و پشتیبانی می‌نماید. بسته به اینکه موضوع و مصوبه قانونی در چه درجه‌ای از اهمیت قرار دارد، ضمانت اجراهای تدوین شده می‌تواند متفاوت باشد. برخی از ضمانت اجراهای قانونی واجد حمایت کیفری و تحت عنوان جرم و مجازات است و گاهی اوقات ضمانت اجراهای یک قانون واجد حمایت مدنی است و در برخی مواقع هم ضمانت اجرای انتظامی و اداری برای حمایت از یک قانون پیش‌بینی می‌شود. در برخی از امور مهم و حساس هم ضمانت اجراها واجد سه ضمانت کیفری، مدنی و اداری-انتظامی است. اصل مصونیت دفاعی از آن دسته از اصول مربوط به یک دادرسی عادلانه و منصفانه است که نقض احکام مربوط به این اصل واجد تضمین‌های کیفری، مدنی و انتظامی است.



نمودار ۱- یافته‌های کلی پژوهش در قالب مدل

### جمع‌بندی و پاسخ به سوالات

در پاسخ به سوال اول پژوهش که استدلال‌های جامعه‌شناختی مصونیت دفاعی وکیل در حقوق ایران را بررسی کرده است، مجموعه دلایل جامعه‌شناسی مهم مورد و تاثیرگذار برای مصونیت دفاعی وکیل در حقوق ایران بررسی و تحلیل شده‌اند. در ابتدایی‌ترین بحث که رویکرد کارکردگرایان ساختاری ارائه کرده‌اند، پارسونز کارکرد اولیه قوانین و نظام حقوقی را ایجاد و حفظ همبستگی نظام اجتماعی می‌داند و برای انجام این کار باید عناصر بالقوه تعارض و کشمکش را تعدیل کنند و گفت‌وگوهای مسالمت آمیز اجتماعی ایجاد شود. بر همین اساس وکلا برای برقراری عدالت و مصونیت دفاعی ملزم به حل تعارض و ایجاد مدارا و همنوایی با ساختارهای کلان قضاوت هستند. در رویکرد نظارت‌پذیری و کنترل اجتماعی دورکیم اعطای مصونیت دفاعی نوعی عدالت و انسجام اجتماعی ایجاد می‌کنند. بر اساس تئوری هابرماس و مارشال در مطرح کردن نظریه جامعه مدنی شهروندان در جامعه مدنی آزادانه حق بیان اندیشه‌های خود را دارند و این همان مصونیتی است که وکلا در دفاع باید داشته باشند. از نظر بوردیو نیز افزایش سرمایه فرهنگی و اجتماعی در جامعه به افزایش اعتماد نهادی منجر شده که در سایه این اعتماد نهادی آزادی عمل وکلا به عنوان کنشگر افزایش می‌یابد. همچنین دادن اختیار حق مصونیت دفاعی به وکلا که در بسیاری از کشورها مرسوم است، تضمینی بر اصل برائت در دادرسی است. نظریه عدالت ورزی و تضمین آزادی از طریق تفکیک قوا نیز بر محدود نمودن حاکمان و سرشکن کردن قدرت در بخش‌های



مختلف حکومت تاکید دارد تا از این طریق حقوق و آزادی‌های مردم تضمین شود. در این رویکرد دو دیدگاه مهم کانت و راولز مصونیت دفاعی وکیل را به مثابه آزادی و عدالت تفسیر می‌کنند. نهایتاً آرای پوپر، برلین و سارتر در باب آزادی تضمینی برای مصنیت دفاعی وکلا در سیستم قضایی است.

در پاسخ به سوال دوم دلایل حقوقی مصونیت دفاعی وکیل در حقوق ایران به دلایل اهمیت تحقق اصل عزتمندی و کرامت انسانی و حفظ شخصیت وکیل در دعاوی است. بر همین اساس وکلا لازم دارند که شئونات شخصیتی آنها حفظ شود و در فرایند دفاع خدشه‌ای به آن وارد نشود. علاوه بر این نباید وکیل در فرایند دادرسی ترسی از تعقیب قانونی بخاطر دفاع از موکل را داشته باشد. در چنین صورتی نمی‌تواند دفاعی تمام عیار از موکل داشته باشد. همچنین مصونیت دفاعی نوعی تضمین حمایت از حقوق اصحاب دعوی به شمار می‌رود که تا نتیجه نهایی دعوا باید حفظ شود. علاوه بر این مسایل مصونیت دفاعی وکلا در بسیاری از کشورها به عنوان قانون پذیرفته شده وجود دارد و در ایران نیز لازم است به منظور تضمین اقتدار قضایی کشور و افزایش نظارت‌پذیری قضایی و ضابطین به تصویب قانونی و اجرایی برسد. در نهایت مصونیت دفاعی وکلا برای نظام قضایی به تضمینات سیستمی نیاز دارد.

در نهایت مصونیت دفاعی وکیل در حقوق ایران به پیامدهایی مطلوبی در عرصه حقوقی و قضایی منجر می‌شود که این پیامدها از احترام به حقوق شهروندی شهروندان و وکلا تا تضمین آزادی‌های فردی و اجتماعی آنها در یک نظام مردم‌سالار را شامل می‌شود. همچنین وکلا با اختیارات بالایی و آزادی‌های تضمین شده‌ای می‌تواند به دفاع از موکل بپردازند که این مساله به توسعه عدالت در جامعه کمک خواهد کرد.

### بحث و نتیجه‌گیری

اهمیت نهاد وکالت به منزله یکی از مهمترین جلوه‌های حقوق شهروندی و تضمین دادرسی عادلانه، پرورش یافته مکتب حقوق بشر و رهیافتی به سوی اجرای عدالت و حفظ کرامت انسانی بوده و در بسیاری از اسناد بین‌المللی هم به رسمت شناخته شده است. بنابراین می‌توان گفت که وکیل و نهاد دفاع نقش مستقیمی در استقرار حاکمیت قانون و حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی دارد. لازمه این حضور در ساختار قضایی، قبول و پذیرش صیانت از وکیل و نهاد وکالت است. بنابراین توجه مصونیت دفاعی وکیل دادگستری در حقوق کیفری ایران می‌تواند موجب توسعه سیستم قضای و مدرن شدن آن شود. با شمول و گسترده‌گی این اصل و آثار این اصل نظارت بر مال، جان، حیثیت، شغل، آزادی بیان، مسکن و سایر حقوق قانونی متولیان نهاد دفاع تابع تشریفات خاص و سختگیرانه قانون نظارت بر رفتار قضات قرار گرفته و این نظارت علاوه بر قانون خاص، در مراجع قضایی خاص و توسط مقامات قضایی خاص صورت می‌پذیرد و تمسک به اصل مصونیت دفاعی و آثار آن، نحوه اعمال قدرت

قضایی در دعاوی کیفری و مدنی علیه متولیان نهاد دفاع را تابع احکام خاص و مستلزم اعمال تشریفات خاص قضایی در مراجع قضایی ویژه می‌نماید. رویکردهای جامعه‌شناختی گویای این واقعیت هستند که در علم حقوق مصونیت دفاعی و کیل، مدارا برای سیستم قضاوت عادلانه‌تر است و در جامعه‌شناسی مدارا و همنوایی اصل بقای نظام حقوقی است و در حوزه‌های حقوقی هم مصونیت دفاعی و کلا می‌تواند اعتماد افراد را به سیستم قضایی بیشتر کند. بنابراین اگر در بین ضابطان قضایی هم به ویژه در مورد اعطای مصونیت دفاعی به وکلا مورد بی توجهی قرار گیرد زمینه بروز بی عدالتی و اعتراض و حتی بروز جرایم قضایی و روآوری برخی وکلا به رفتارهای مجرمانه گردد. همچنین بر اساس حق برخورداری از حقوق مدنی آزادی‌های فردی فرد به توازن قدرت سیاسی کمک کرده و در حوزه حقوقی نیز آزادی کنشگر (وکیل) باعث دفاع عادلانه از روند دادرسی می‌شود. در مورد اعتماد نهادی نیز باید خاطر نشان کرد که اعتماد نهادی و میزان آن در جامعه می‌تواند برای نهادهای مرتبط با آن مفید باشد. هنگامی که اعتماد نهادی در جامعه بالا باشد، شهروندان آزادانه به دنبال اهداف خود خواهند رفت و در سیستم قضایی هم آزادی وکلا همان مصونیت آنها از دفاع تعبیر می‌شود و وکلا در این شرایط به راحتی و آزادانه از حقوق موکلین خود دفاع کنند. به طور کلی در جوامع دارای اعتماد نهادی بالا، میزان مصونیت دفاعی وکیل هم بالا می‌رود. چرا که مصونیت دفاعی وکیل چیزی جز داشتن آزادی عمل و استقلال وکلا در دادرسی نیست. در یک مقوله بینایی می‌توان مصونیت دفاعی وکیل را دقیقاً در راستای تفکیک قوا دانست، چرا که و مصونیت دفاعی وکلا تکمیل کننده فرایند تفکیک قوا در مراجع قضایی است. مصونیت دفاعی وکیل ضمن دادن اختیارات قانونی بیشتر به وکلا از تمرکز قدرت در دست قضات هم جلوگیری کرده و از این طریق از حقوق و آزادی‌های مردم محافظت می‌شود و اصل تفکیک قوا هم ناظر به چنین سیاستی است که در آن قوای سه گانه به ویژه قوه قضاییه به گونه‌ای بسیار قانونمند به کنترل و نظارت همدیگر مبادرت ورزیده تا حقوق شهروندان پاس داشته و از استبداد و ظلم و از تعرض به حقوق آنها جلوگیری شود. همچنین با توجه به تاکید مقوله‌های آزادی و عدالت در آرای راولز و کانت مصونیت دفاعی یک الزام حقوقی بوده و همانطور که در رویکردهای نظری متعددی که هم در جامعه‌شناسی و هم در حقوق به کرات بر آنها تاکید شده، آزادی عمل کنشگر از اصلی‌ترین مصادیق مصونیت دفاعی وکلا در فرایند دادرسی است. بر اساس آرای پوپر، برلین و سارتر حوزه آزادی که مستقیماً این مفهوم را مورد واکاوی قرار داده‌اند، آزادی کنشگر به افزایش حوزه اختیار او منجر می‌شود و در رویه‌های قضایی آزادی وکلا در فرایند دفاع به مثابه مصونیت دفاعی او می‌باشد. بر همین اساس بخشی از آزادی در داشتن اراده و اختیار خلاصه می‌شود و مصونیت دفاعی وکلا همان افزایش اختیارات قانونی او می‌شود. همچنین یکی از مهمترین ارکان قضاوت رعایت عدالت در قضاوت است و از آنجایی که مصونیت دفاعی وکیل دادگستری به مانند مصونیت

دفاعی قضات می‌تواند باعث آرامش خاطر وکیل در دفاع باشد. بر همین اساس رعایت عدالت محقق می‌شود. چرا که رعایت عدالت اصلی‌ترین فضیلت و منبع و ریشه همه فضایل است. عدالت در تمامی جنبه‌های فردی، خانوادگی، ابعاد کلان اجتماعی و نهادها و سازمان‌های درگیر، در حقوق و قضا، در فلسفه و سیاست و غیره حضور و بروز جدی دارد. لازم به ذکر است که عدالت همیشه با نوعی قضاوت اخلاقی همراه است و از این رو مفهومی اخلاقی و هنجاری است. علاوه بر این شهروندی نیز به عنوان یک مقوله جامعه‌شناختی قابل تاکید به عنوان رویکردی است که به انواع حقوق انسانی در جامعه اشاره می‌کند و تعامل بین فرد و جامعه را جهت می‌دهد. تلاش برای توسعه و حفظ حقوق شهروندی اهمیت بنیادین خود را همچنان حفظ کرده است. به طور کلی حق شهروندی برای نه تنها برای مردم، بلکه برای ضابطین قضایی هم لازم است و یکی از جلوه‌های حقوق شهروندی، حق برخورداری و کلا از حق شهروندی است و وکیل فاقد حق شهروندی نمی‌تواند جانبدار عدالت و آزادی باشد.

## منابع

- احمدی، بابک. (۱۳۹۷). سارتر که می‌نوشت، تهران: نشر مرکز.
- احمدی، حبیب. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی انحرافات. تهران: انتشارات سمت .
- ازغندی، علیرضا. (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، تهران: انتشارات قومس.
- استار، پل. (۱۳۸۸). قدرت آزادی، ترجمه فریدون مجلسی، نشر ثالث.
- آجرلو، اسماعیل. (۱۳۹۵). آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی بررسی مفهوم تفکیک قوا، ناظر علمی: علی بهادری جهرمی، دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی، پژوهشکده شورای نگهبان.
- آجرلو، اسماعیل؛ حبیبزاده، توکل. (۱۳۹۱). مبانی انسانشناختی اصل تفکیک قوا، پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۳۶.
- آقارضایی طرخورانی، نادیا؛ محسنی، علی؛ الهی‌منش، محمدحسن. (۱۳۹۸). جایگاه جامعه مدنی و کنشگران غیردولتی در سیاستگذاری عمومی ایران (۱۳۹۲-۱۳۸۴). فصلنامه سپهر سیاست، ۶(۱۹): ۷۵-۹۴. doi: ۲۰۱۹,۶۶۵۷۶۹/sej.۱۰,۲۲۰۳۴
- براتعلی‌پور، مهدی. (۱۳۹۴). صلح پایدار و عدالت سیاسی جهانی. فصلنامه سیاست جهانی، دوره چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴، ۴(۱): ۳۹-۶۳.
- براتعلی‌پور، مهدی. (۱۳۹۴). صلح پایدار و عدالت سیاسی جهانی. فصلنامه سیاست جهانی، دوره چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴، ۴(۱): ۳۹-۶۳.
- برلین، آیزایا. (۱۳۸۶). آزادی و خیانت به آزادی، ترجمه: فولادوند، عزت‌الله؛ نشر ماهی، ۱۳۸۶
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: انتشارات نی.

- بشیریه، حسین. (۱۳۸۸). تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن ۲۰، جلد دوم، تهران: نشر نی.
- بشیریه، حسین، (۱۳۹۱)، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، تهران، نشر نی، چاپ یازدهم.
- بوردیو، پیر. (۱۳۸۴). شکل‌های سرمایه اجتماعی، به کوشش کیان تاجبخش، ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: انتشارات شیرازه.
- بوشهری، جعفر. (۱۳۵۵). حقوق اساسی، جلد اول، چاپ نهم، انتشارات دانشگاه تهران.
- بهرامی کمیل، ن. (۱۳۸۱). «گفت و گو در اندیشه یورگن هابرماس»، مطالعات ملی، ش ۱۳، ص ۸۹-۱۰۸.
- پناهی، محمدحسین؛ امینی، سعیده؛ ساعی، علی؛ روشن، تینا. (۱۳۹۲). تحلیل فازی اعتماد سیاسی استادان دانشگاه، مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۷(۲): ۵۹-۸۶.
- پوپر، کارل. (۱۳۸۹). جامعه باز و دشمنان آن، ترجمه: عزت الله فولادوند، تهران: نشر خوارزمی.
- پور قهرمانی، بابک. (۱۳۸۶). طرق فوق العاده اعتراض بر احکام کیفری، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ اول
- تدین، عباس؛ خانجانی، محمدرضا. (۱۳۹۵). اصل هم ترازوی حقوق اصحاب دعوا در فرایند دادرسی های کیفری. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل، ۹(۳۲): ۴۱-۶۴.
- توجیهی، عبدالعلی؛ محمد کوره‌پز، حسین. (۱۳۹۸). گونه‌شناسی محدودیت‌های حق دسترسی به وکیل در جرایم امنیتی با تأکید بر مرحله پیش دادرسی: مطالعه تطبیقی. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۷(۲۷): ۷۵-۱۰۸.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۲). ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ ششم
- جعفری، فریدون؛ موسوی، سید رؤیا؛ اسلامیه همدانی، امیر. (۱۳۹۵). مطالعه تطبیقی حق برخورداری از وکیل در مرحله تعقیب در حقوق داخلی ایران و اسناد و رویه های محاکم کیفری بین المللی، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، سال بیستم زمستان ۱۳۹۵ شماره ۴: صص ۵۲-۲۵.
- جناب‌زاده، مسعود؛ ملاکه، ابراهیم. (۱۳۹۵). مطالعه تطبیقی اصل براءت از منظر اسلام و حقوق بین الملل در تحقیقات مقدماتی، قم: ماهنامه علوم انسانی اسلامی، دوره: ۱، شماره: ۱۰.
- چاندوک، نیرا. (۱۳۷۷). جامعه مدنی و دولت؛ کاوش‌هایی در نظریه سیاسی، ترجمه: فریدون فاطمی و وحید بزرگی، تهران: نشر مرکز.
- حبیبی کندسر، مصطفی؛ دیلم‌صالحی، بهروز؛ اسلامی، سعید. (۱۳۹۸). سیر تطور اندیشه جان رالز و زمینه های شکل گیری نظریه عدالت، فصلنامه غرب شناسی بنیادی، سال دهم پاییز و زمستان ۱۳۹۸ شماره ۲ (پیاپی ۲۰) شماره صفحات: ۶۳-۸۸.
- حیدری، آرمان. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر نحوه عملکرد سازمان‌های رسمی بر اعتماد نهادی شهروندان (مورد مطالعه: جوانان شهر یاسوج). جامعه شناسی نهادهای اجتماعی، ۲(۵): ۷۷-۱۰۶.
- خادمی، بهبود؛ ایروانی، محمدرضا؛ دیندار، الهام. (۱۳۹۰). بررسی عوامل موثر بر اعتماد اجتماعی در بین دانشجویان (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه‌های شهر جهرم)، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر، سال پنجم، شماره سیزدهم، تابستان ۱۳۹۰
- دوگان، ماتیه. (۱۳۷۴). سنجش مفهوم مشروعیت و اعتماد، ترجمه پرویز پیران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۹۷-۹۸، تهران.

- راسل، برتراند. (۱۳۶۷). قدرت، ترجمه: نجف دریابندری، تهران: انتشارات خوارزمی.
- رحیمی نژاد، اسماعیل. (۱۳۸۷). کرامت انسانی در حقوق کیفری، تهران، نشر میزان، چاپ اول
- ریشه، گ. (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه: عبدالحسین نیک گهر، تهران: نشر نی.
- ریشه، گ. (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، عبدالحسین نیک گهر، تهران، نشر نی.
- ریتزر، جرج. (۱۳۹۰). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، انتشارات علمی.
- ریتزر، جورج؛ گودمن، داگلاس جی. (۱۳۹۰) نظریه جامعه‌شناسی مدرن، ترجمه: خلیل میرزایی و عباس لطفی زاده، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ اول.
- زتومکا، پیتر. (۱۳۸۴)، اعتماد یک نظریه جامعه‌شناختی، فاطمه گلابی، تهران: ستوده.
- سارتر، ژان پل. (۱۳۹۹). اگزیستانسیالیسم و اصالت بشر، ترجمه: مصطفی رحیمی، انتشارات نیلوفر.
- ساعی، ع؛ کبیری، ا؛ کسرابی، م. و صادقی، ح. (۱۳۹۰). «سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب: تحلیل تطبیقی فازی بین کشوری از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸»، مسائل اجتماعی ایران، سال دوم، ش ۲، ص ۶۳-۹۴.
- شارع‌پور، محمود. (۱۳۸۰). فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن، تهران، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- شجاعی، علی. (۱۳۸۰). جرم‌شناسی نظری (گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی)، اثر: جرج ولد، توماس برنارد و جفری اسپینس، انتشارات سمت.
- شومیکر، دونالد. جی. (۱۳۸۹). نظریه‌های بزهکاری، ترجمه: صغری ابراهیمی قوام، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.
- شیانی، م. (۱۳۸۱). «تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان»، جامعه‌شناسی ایران، سال چهارم، ش ۳، ص ۶۰-۸۰.
- صدر، محمد باقر. (۱۴۲۶ق). دروس فی علم الاصول، ج ۴، ص ۲۹-۴۶، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، قم، چاپ هفتم.
- عباس‌زاده، محمد؛ عزیززاده‌قدم، محمدباقر؛ اسلامی، رضا. (۱۳۹۰). اعتماد به دستگاه‌های اجرایی و عوامل موثر بر آن. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۲(۱): ۸۳-۱۰۶.
- علی‌پور، پروین؛ زاهدی، محمدجواد؛ شیانی، ملیحه. (۱۳۸۸). اعتماد و مشارکت (بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران). مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۰(۲): ۱۰۹-۱۳۵.
- عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۷۲). فقه سیاسی: حقوق اساسی و مبانی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (تهران: امیر کبیر، چاپ سوم، ج ۱).
- فتحی، احمد. (۱۳۸۲). فن دفاع، تهران، انتشارات اشکان، چاپ سوم
- قاضی، ابوالفضل. (۱۳۷۵). گفتارهایی در حقوق عمومی، تهران: نشر دادگستر، چاپ اول.
- قاضی، ابوالفضل. (۱۳۸۳). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: نشر میزان، چاپ دوازدهم.
- قمی، محسن؛ کتابی، میرزاعلی. (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی آزادی از دیدگاه شهید مطهری و ژان پل سارتر. فصلنامه علمی پژوهشی آیین حکمت، ۸، پاییز ۹۵؛ (۲۹): ۱۴۹-۱۷۸.

- کاظمی نجف آبادی، محسن؛ آذربایجانی؛ علیرضا. (۱۳۹۶). درنگی در مفهوم احساس عدالت قضایی، حقوق اسلامی، ۱۴(۵۴): ۱۳۶-۱۵۸.
- کاوه، محمد. (۱۳۹۱) آسیب شناسی بیماری‌های اجتماعی، جلد اول، نشر جامعه شناسان، تهران.
- کرایب، ج. (۱۳۷۸). نظریه اجتماعی مدرن - از پارسونز تا هابرماس، ترجمه: عباس مخبر، تهران: نشر آگه.
- کرایب، یان. (۱۳۷۸). نظریه اجتماعی از پارسونز تا هابرماس، ترجمه: عباس مخبر، نشر آگه.
- کریمی، یوسف. (۱۳۸۵). روانشناسی اجتماعی، تهران: نشر ارسباران.
- کلدی، ع. و پوردهناد، ن. (۱۳۹۱). «بررسی میزان آگاهی و نگرش دانشجویان نسبت به حقوق شهروندی در تهران»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، دوره دوم، ش ۴، ص ۲۹-۵۷.
- کوزر، لیوئیس. (۱۳۹۰). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- گیدنز، آ. (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- لک‌زایی، شریف. (۱۳۸۳). مفهوم تفکیک قوا در ایران، مجله علوم سیاسی، شماره ۲۷، ۲۳-۴۸.
- لنساف، مایکل. ایچ. (۱۳۸۵). فیلسوفان سیاسی قرن بیستم، ترجمه: خشایار دیهیمی، تهران: نشر ماهی.
- ماکیاولی، نیکولو. (۱۳۷۷). گفتارها، ترجمه: محمد حسن لطفی، تهران: انتشارات خوارزمی.
- مرادخانی، فردین. (۱۳۹۴). پیدایش مفهوم تفکیک قوا در انقلاب مشروطیت ایران، فصلنامه حقوقی دادگستری، زمستان ۱۳۹۴ شماره ۹۲، ۱۹۱-۱۶۹.
- مشکات، محمد؛ فاضلی، محسن. (۱۳۹۳). بررسی انتقادی مفهوم آزادی از نظر آیزایا برلین. غرب شناسی بنیادی، ۵(۲)، ۱۰۵-۱۳۵.
- منتسکیو، شارل دو. (۱۳۷۰). روح القوانین، ترجمه و نگارش: علی‌اکبر مهتدی، مقدمه و تصحیح و تعلیقات از محمد محمدپور، تهران: انتشارات امیرکبیر، ویراست دوم، چاپ نهم.
- موحد، محمدعلی. (۱۳۸۱). در هوای حق و عدالت، تهران، انتشارات کارنامه، چاپ دوم
- مهری، هژیر؛ دیرباز، عسکر. (۱۳۸۹). نسبت نظریه عدالت جان رالز با فلسفه اخلاق کانت و فلسفه حق هگل. الهیات تطبیقی، ۱(۴): ۵۳-۷۲.
- میرفردی، اصغر؛ احمدی قارنائی، حکیم. (۱۳۹۵). بررسی رابطه گرایش دیگرخواهانه و اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی، مورد مطالعه ساکنان ۱۸ سال به بالای شهر یاسوج، جامعه شناسی کاربردی، ۲۷(۴): ۲۷-۴۶.
- نش، ک. (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، جهانی‌شدن، قدرت و سیاست، ترجمه: محمدتقی دلفروز، تهران: نشر کویر.
- واعظی، احمد. (۱۳۸۴). جان رالز: از نظریه عدالت تا لیبرالیسم سیاسی، قم: بوستان کتاب، چاپ اول.
- واعظی، احمد. (۱۳۸۴). عدالت صوری، عدالت محتوایی. فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی، ۸(شماره بیست و نهم - بهار ۸۴): ۸۵-۹۸.
- واعظی، احمد. (۱۳۸۲). نظریه عدالت کانت، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال ششم، شماره بیست و سوم، پاییز ۱۳۸۲.
- هاشمی، سیدمحمد. (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران، انتشارات میزان، چاپ اول

- هاشمی، سیدمحمد. (۱۳۸۶). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، تهران، نشر میزان. چاپ نوزده
- هاشمی، سیدمحمد. (۱۳۷۹). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، نشر دادگستر، چاپ سوم.
- هولاب، رابرت. (۱۳۸۶). یورگن هابرماس: نقد در حوزه عمومی مجادلات فلسفی هابرماس، ترجمه: حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
- Black, Donald. (۱۹۹۳). Sociological Justice, New York: Oxford University Press. In
- Hülle, Sebastian & Liebig, Stefan & May, Meike. (۲۰۱۸). Measuring Attitudes Toward Distributive Justice: The Basic Social Justice Orientations Scale. Social Indicators Research. ۱۳۶. ۶۶۳-۶۹۲. ۱۰. ۱۰۰۷/s1۱۲۰۵-۰۱۷-۱۵۸۰-x.
- Bluntschli, J. K. (۱۸۹۵). The Theory of the State. London, Oxford: Oxford University Press.
- Habermas, J. (۱۹۸۹) The Structural Transformation of the Public Sphere: An Inquiry Into a Category of Bourgeois Society, Cambridge, Mass : MIT Press
- Habermas, J. (۱۹۹۶) Between Facts and Norms : Contributions to a Discourse Theory of Law and Democracy, Cambridge, Mass : MIT Pres.
- Kant, Immanuel. (۱۹۱۷). Perpetual Peace: A Philosophical Essay, translated with Introduction and Notes by M. Campbell Smith, with a Preface by L. Latta, London: George Allen and Unwin.
- Marshall, T.H. (۱۹۶۴), Class, Citizenship, and Social Development, Garden City, New York, Doubleday.
- Parsons, Talcott. (۱۹۵۱). Structure & Process in Modern Societies, Free Press.
- Rawls, John (۱۹۹۳), Political Liberalism, New York: Columbia University Press.
- Tervino, A. Javier. (۱۹۹۶). The Sociology of Law, Classical and Contemporary Perspectives; St. Martin's Press, New York.